

حکایت امید صبر

نامه های جوانان به امام زمان (عج)

به: آفتاب پنهان

از: آیینه ی دل‌های منتظر



در ره آن منتظر بین همه در انتظار

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) کرمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جوانان منتظر

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) کرمان	تدوین:
نسیم حیات	ناشر:
۳۰۰۰	تیراژ:
جعفری	چاپ:
نوبت اول/۱۳۸۶	نوبت و سال چاپ:
۱۰۰۰۰ ریال	قیمت:
۸-۳۴۱-۴۹۲-۹۶۴-۹۷۸	شابک:

مرکز پخش: قم، بلوار سمیه، خیابان شهیدین، پلاک ۸۷
تلفکس: ۷۷۴۹۵۳۴-۰۲۵۱ و تلفن: ۷۷۴۹۷۵۰-۰۲۵۱-۲

جوانان

منتظر

مقدمه

حمد و سپاس مخصوص خدایی که در راه سعادت بشر و هدایت او از هیچگونه عنایتی کوتاهی نکرد و در جهت تکامل انسان، جامع ترین و بهترین اولیاء خود را فرستاد تا به واسطه آنها قلوب تشنه بشریت را سیراب کند از جمله قطب عالم امکان حضرت بقیه الله الاعظم حضرت ولی عصر (عج) که در سال ۲۵۵ هـ. ق در سامرا قدم در این عالم هستی گذاشتند و پس از مدتی به اذن الهی از نظرها پنهان شدند ولی عنایت ایشان چه در زمان حضور و چه در زمان غیبت نسبت به بندگان الهی قطع نخواهد شد.

«پیامبر اکرم (ص) به جابر بن عبدالله انصاری فرمودند.

اگر چه چشمها از دیدار رخسار «این خورشید زیر ابر» محروم شده اند اما به یمن وجود او روزی می خورند و از عنایت خاصه معنوی و مادی او بهره مند می گردند»

لذا با عنایت حق و در ظل توجهات آن امام همام بر آن شدیم تعدادی از نامه ها و نجوای عاشقانه، صمیمی و بعضاً کودکانه تعدادی از نوجوانان و جوانان دختر و پسر به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه را در این مجموعه جمع آوری و به چاپ رسانیم.

بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) کرمان

نغمه طری جوانان

قلم بتراشم از هر استخوانم مرکب گیرم از خون رگانم
بگیرم کاغذی از پرده دل نویسم بهر یار مهربانم

مهدی جان سلام

امیدوارم از کارهای من راضی باشی نامم فاطمه است هم اسم مادرتان حضرت زهرا (س) مهدی جان ای کاش شما زودتر می آمدید و همه مسلمانان را از این همه رنج که دچار آن هستند رها می کردید.

ای کاش می آمدید و همه کودکان گرسنه جهان را نجات می دادید.

مهدی جان من از مادرم یاد گرفتم که همیشه سر جانمازم برای ظهور شما دعا کنم.

آقا جان همه می گویند اگر آقا بیاید مشکلاتمان حل می شود ولی من شنیده ام که شما گفته اید اگر مردم به اندازه نصف لیوان آب مرا به خاطر خودم می خواستند من ظهور می کردم آقا جان من نمی گویم که شما را برای حل مشکلاتم نمی خواهم ولی باور کنید من شما را برای خودتان می خواهم جگرم می سوزد وقتی نیمه شعبان می شود و شما نیستند، محرم می رسد و ما عزاداری می کنیم ولی شما را در بین خودمان نمی بینیم آقا جان بیاید تا در کنار هم برای سرور سالار شهیدان امام حسین (ع) عزاداری کنیم. آقا جان وقتی فرزند پدرش را از دست می دهد همه او را دلداری می دهند و او را تنها نمی گذارند ولی شما وقتی شنیدید که حرم پدر بزرگوارتان را بمب گذاری کردند چه حالی شدید چه کسی بود که شما را دلداری بدهد آقا جان سخت است که در این زمان شیعه

واقعی بمانیم گفته شده که نگه داشتن ایمان در زمان غیبت مانند نگه داشتن آتش در کف دست است. نمی دانم چه کسی می تواند این چنین ایمان خود را نگه دارد همیشه من از خدا می خواهم که نه تنها من بلکه همه ی مسلمانان بتوانیم ایمان خود را حفظ کنیم و محبت و مودت شما را در دل حفظ کنیم.

آقا جان همه می گویند پرونده ی اعمال ما به دست شما می رسد و شما آنرا امضاء می کنید آقا جان امیدوارم من رو سفید باشم و اعمالم باعث ناراحتی شما نشود و روز به روز برای بهتر کردن اعمالم کوشش می کنم.

خدایا از زمانی که شنیده ام محبوبمان ناشناس در میانمان می گردد و در همین فضا تنفس می کند و وقتی ظهور میکند همگان میگویند ما پیش از این او را دیده ایم، به همه سلام میکنم شاید لااقل پاسخی هر چند ناشناس از او بشنوم. ای خدا تا کی او ناشناخته بماند

فاطمه کارگر

اللهم عجل لوليک الفرج



مولایم سلام! می خواهم با تو سخن بگویم رازهای نهفته ی بسیاری در سینه دارم و تپش قلبم حکایت از فراق دارد زمانی است که تو در میان ما نیستی، شاید چند قرن اما لحظه لحظه ی نبودنت آتشی بر جانم انداخته که هر چه زمان می گذرد، شعله ورتتر می شود. اندکی تأمل می کنم آری بیاد می آورم آن روزگاران ننگین را بیاد می آورم آن تیغ های برهنه را که برای کشتن تو سر برافراشته بودند بیاد می آورم مظلومیت چشمانت را هنگام رفتن. وقت رفتنت، کوه سست بود و دریا خشک، زمین کویر بود و عشق ها سرد، گلبوته های یخ زده قلب ها را سردی می بخشید و هیچ کس از گوهر وجودت خبر نداشت.

اما ... اکنون چه؟ حال که کویر یخ زده خیال، با رویش جوانه عشق، با خود گرمی به همراه دارد. حال که گلستان محمدی عطر نرگس را به یادگار دارد. حال که دریای رحمت ایزدی قلبها را گدازده است و فریاد فراق در همه جا پیچیده دیگر تیغ های برهنه در انتظار نابودی تو نیست؟! بلکه برای یاری توست تا دست ابلیس زمان را قطع کند و انتقام لحظه های پر پر شدن گل سرخ را بگیرد عاشقانت را بین که چگونه در لاله زار عشق همگام با فرشتگان ندبه سر می دهند.

آری سرود عشق ملائک، همراه با نوای لیک انس و جن ملکوت را فرا
گرفته است. چشم های بارانی پرستوها، حکایت از جدایی دارد و خط وصال ،
همان ظهور توست. بیا تا به یاری تو خدایی باشیم

فاطمه السادت میر عطاء اللہی راهنمایی



سلام اقا جون! دلم خیلی براتون تنگ شده دوست دارم شما ظهور کنید تا دنیا
پر از خوبی شود بدیها بروند و خوبی ها بیایند، دل من برای این لحظه
می تپد، من خیلی دلم می خواهد شما را بینم برای همین هیچ وقت گناه نمی کنم
و نخواهم کرد چون شما را خیلی دوست دارم آقا جان دلم می خواهد که شما
بیاید تا آمریکا را نابود کنید و انتقام امامان عزیزمان را بگیرید.

دلهای کویری ما منتظر دریای وجود شماست مهدی جان بیا تا چون پروانه به
دور شمع وجودت طواف کنیم ای کعبه دلها، جمعه ها، دیوانه وار کوچه های
انتظار را می پیمایم و در حالی که دعای ندبه را زمزمه می کنم و اشک در
چشمانم حلقه زده دنبال شما می گردم مولای من . نرگس هاشمی ابتدایی



سلام مولای من! مهدی جان اگر از شما دورم و مهجورم، اگر از شما فاصله گرفته ام، نیک می دانم که خود اینچنین کردم و اسیر نفس خود شدم.
مولای من! اگر حرفی از غربت و تنهایی شما به میان نمی آید، نیک تر می دانم که خود پرستی و غفلت همچون اینچنین کردم و اسیر نفس خود شدم.
مولا جان! قرن هاست که منتظر بیداری و همدلی مایی ولی ما از تو غافلیم.
چقدر غربت تو سنگین و سخت است. شنیده ام که نامه اعمالم هر هفته، اشک غم و حسرت دلسوزی را بر دیدگان زلالتان جاری می سازد.

مولای من! شما چقدر به ما نزدیک و ما چقدر از شما دوریم، غم غربت شما اگر به جان کسی بیفتد، آتش عشق را در سینه اش فروزان خواهد کرد.
مهدی جان! دل تنگ شما هستم، می خواهم آنقدر بگیرم که جان به جان آفرین تسلیم کنم. زندگی بدون شما را چه سود؟!

آقای من! اگر از شما غافل شوم مانند آن است که از هر چه خویست غافل شده ام و اگر شما را ذاکر شوم مثل این است که ذاکر تمام خویهای عالم شده ام.

آقا جان! می خواهم بگویم که سرم به سنگ خورده، پشیمانم و نادم، تازه فهمیده ام که پناهگاهی جز شما ندارم و تا به شما پناه نیاورم از شر هیچ دشمنی

ایمن نخواهم بود. تازه به تفسیر حدیث "وَلَا يَهِي عَلَى ابْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي" پی بردم.

دانستم که تا با شما نباشم هیچ ندارم و تا از شما دورم از خدای خود دورم.
توبه کردم، توبه شکستم، آقای من! مهدی جان از توبه کردن و توبه شکستن
خودم توبه کردم، حال فهمیدم که شما تنها میتوانی برای ما طلب توبه و مغفرت
کنی و تا شما مرا نپذیرید، خدا مرا نمی پذیرد. فهمیدم که اگر ولی خدا و حجت
خدا را در این عالم تنها بگذارم خدا نیز ما را در دنیا در آخر تنها خواهم گذاشت.
آقا جان از تمامی لحظاتی که بی یاد تو سپری کردم پشیمانم و می خواهم بعد
از این تمام اوقاتم را صرف شما کنم زیرا عمری ارزشمند است که صرف شما
شود.

آقای من! بغض گلویم را به سختی می فشارد وقتی به یاد می آورم که چه
بدی ها در حق شما کردم و می دانم که دل پاک شما را رنجانده ام.
آقای من! یا صاحب الزمان ما بیچارگان و سائلان را دریاب که ما قبله گاهی
جز شما نداریم.

ای شکوه رفته امشب باز گرد این سکوت مرده را در هم نورد

فهمه چناریان



سلامی و درودی به گرمی که همیشه در نگاهتان تصور می کردم
الان که در حال نوشتن این نامه هستم غروب روز جمعه است و من همین طور
چشم انتظارم....

مادر می گوید که موعود دیدارمان یکی از همین جمعه هاست
از خداوند منان می خواهم که به شما طول عمر و سلامتی عطا بفرماید.
مهدی جان! امیدوارم که وقتی می آید و جهان را عاری از ظلم و ستم و
سرشار از دل و داد می کنید و ریشه های استبداد را می سوزانید هنوز چشم از
جهان فرو نیسته باشم. ان شاءالله

نسیم زارع - ابتدایی



سلام آقای من، هزاران، هزار سلام
نمی دانم از کجا شروع کنم، آخر من کجا و نامه نوشتن را برای بهترین عالم
کجا، آقا جان! از وقتی به عقل و هوش آمدم همیشه نامت را می شنیدم اما فقط
نامت را، روزهای جمعه دعای ندبه، صبح ها بعد از نماز، اما باز هم فقط نامت بود،
بزرگتر که شدم فهمیدم باید برای سلامتی و ظهور شما دعا کنم، صلوات بفرستم،
اینطوری شاید به شما نزدیک تر شوم، چادر سر می کردم و نمازم را سر وقت

می خواندم اما باز چشمانم از دیدن شما عاجز بود آرزو می کنم کاش هیچ چیز نمی دیدم فقط یک لحظه شما را می دیدم اما افسوس...

گاهی که در کتابها می خوانم که بعضی خواب شما را می بینند و گاهی کسانی در بیداری شما را زیارت می کنند، دلم پر از غصه می شود، آخر آقای من مگر نه اینکه عبدالله اگر مجرم است از بندگان است و کاسنی اگر تلخ است از بوستان است آخر آقا جان ما هم دل داریم، خدا می داند که گاهی سر سجاده ام خواب می روم به این امید که شما را بینم ولی نه، این بار از شما گلایه ندارم ایندفعه از چشمان کوچکم گله مندم مگر چه کردند که نمی توانند شما را ببینند یا نه بهتر است از قلبم گله کنم، نمی دانم آقا شما خیلی مهربانید، پس عیب از خود من است از شما به قول معروف گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟ همه زندگیم فدای نامتان

محدثه قاسم پور - ابتدایی



ای تنها مروارید صدف جهان هستی سلام!
سلامی را به اندازه ی ماه ها و هفته های فراق و به اندازه ی تمام دلهای منتظر
و عاشقی که برای دیدار منتقم یاس کبود می تپند، تقدیمتان می کنم

تا به حال فکر می کردم که فاصله ی میان زمین تا خورشید چقدر طولانی است ولی اکنون به این موضوع پی برده ام که زمان فراق ما شیعیان با مولایمان دارد از این فاصله روز به روز بیشتر و طولانی تر می شود به نظر من عامل اصلی ایجاد این فاصله، در واقع خود ما شیعیان هستیم چرا که در زبان طالب صراط مستقیم هستیم ولی در دل صراط کج و انحراف را در پیش گرفته و هر روز از روز قبل بر سرعت خود می افزاییم ولی مولا جان! امید آنرا هنوز در دلهایمان داریم که نور معنوی شما با نیمه نگاهی در دلهای تیره و تارمان بتابد بلکه مسیرمان را عوض کنیم و به هدف اصلی خلقت نزدیک و جزو آن یاران و سربازان با وفا و مخلص شما گردیم گل سر سبد عالم امکان مهدی جان

حبیبه السادات مهدوی



سلام بر مهدی (عج)

صدای پای کسی می آید او امید همه ی مظلومان است آری بالاخره روزی مردی از جنس نور می آید چشم های منتظر، او را جستجو می کنند، مهدی جان برای غربت همیشه نگرانم ای کاش تو را برای یک لحظه می دیدم و کلامی از لبان زیبایت می شنیدم مهديا ای يوسف زهرا عاشقانه تو را می خوانم و در هر لحظه به یاد تو و در انتظار تو هستم و جود تو سرتاسر نوید است روزی امیدها

تبدیل به ثمر می شوند. تمام درودها بر تو باد، من همواره فرجت را از خداوند
متعال طلب می کنم ای شفیع امت محمدی برای آمرزش گناهانم از تو یاری
می جویم می دانم اگر عنایت و لطف شما نباشد ما هیچ هستیم کاش می شد که
می آمدی در روز جمعه تا ظلم و ستم از زمین برداشته شود و زمین پر از عدل
شود. ما زمینه فراهم کنیم برای آمدن امام مهدی (ع) همه با هم باشیم و وحدت
داشته باشیم ای امام، ای ماه تابان، ای چراغ فروزان، ای راهنمای خلق در
پرتگاهها و هلاکت ها، ای خورشید فروزان، ای پناه بی پناهان و بندگان خداوند و
ای پدر مهربان و دلسوز و ای خلیفه الله هر که از تو جدا شود به هلاکت می رسد
پس از منتظران، تقوا را پیشه کنید و صابر باشید تا امام زمان (ع) به سوی شما آید.
ای خدای همیشه پا برجا، درودی به عظمت و بزرگی خودت و سلامی به
اندازه ی لطف و کرمت و تحیتی به مقدار علم و توانایی خویش، به سرور و
مولایمان برسان و این سلام و درود را از جانب من، پدر و مادرم پذیرا باش. خدایا
در این صبح و همه ی صبح های زندگیم، عهدی با منجی عالم بشریت می بندم و
ریسمان بیعت و پیمانم را با او محکم می کنم ای صاحب همه ی زندگیم، مرا از
یاران و همراهان ولی عصر (ع) قرار بده و اسم کوچکم را در دفتر توجه و لطف

او بنویس

خداوند مرا جزء کسانی قرار بده که از حقانیت او دفاع و برای خدمت به او لحظه شماری می کنند: کسانی که جان خود را سپر بلای وجود مبارک او قرار می دهند تا در مقابل حضور پر برکتش و در آغوش پر مهرش، شهد شهادت را بنوشند خدایا! اگر انتظار روزانه من به وصال ختم نشد و مرگ میان من و امام فاصله انداخت در آن روز که وعده ی آمدنش تحقق یافت و قدم بر چشمان مومنان گذاشت، مرا نیز ای خدای قادر و توانا، از قبر بیرون آور تا کفنم را زره خود کنم، شمشیر رزم را بدست گیرم از اعماق قلبم فریاد برآورم و دعوتش را

لیک بگویم

مائده موسوی



سلام مهدی جان

ان شاءالله روزی که چشم باز میکنیم و شما را می بینیم که جهان را پر از عدل و داد کرده اید. روزی فرا رسد که ظهور شما را ببینیم و به تمام جهانیان با افتخار بگوییم که مولایمان آمده اند که ریشه ظلم و فساد و تنگی و ذلت را بر دارند و به جای بی دینی و بی ایمانی دینداری را بیاورند و وقتی آقای ما ظهور کند آنقدر قدرت دارد که هیچ نیرویی توان مقابله با آقای ما را ندارد. بر تمام جهان تسلط پیدا می کند عراق را نجات می دهد و نمی گذارد که به حرمین ائمه اطهار حمله کنند. فلسطینیها از شر اسرائیل و آمریکا و دشمنان جهان اسلام در امان می مانند

و کاری می کند که کودکان فلسطین از دست یهودیان نجات پیدا کنند. امام
زمان (ع) می آید و انتقام خون شهیدان راه اسلام را از این ظالمان می گیرد.
آقای ما آقای تمام خوبیها است ما را می بیند، کارهای ما را می بیند و هر گاه
صدایش کنیم به کمک مان می آید ما برای ظهور و سلامتی آقایمان امام زمان
(ع) دعا می کنیم و ان شاءالله می آید و ما را از انتظار بیرون می آورد. به امید
دیدار آقایمان

از زمانی که به عقل و هوش آمده ام مادرم هر روز صبح تسبیح به دست
دیده ام که ذکر صلوات را با یک دور تسبیح می خواند، هر صبح جمعه طنین
صدای دعای ندبه خانه مان را پر می کند و هر زمان که تلویزیون یا رادیو از تو
می گوید یا مدحی و سروده ای درباره تو خوانده می شود چشمان مادرم غرق
اشک می شود من نیز آموخته ام منتظر آمدنت باشم.

مولای من لطافت تو را در وزش هر نسیم حس می کنم، چهره ی نورانیت که
روشنایی را بر چهره ی زمین حک می کند را مجسم می کنم، ای ستاره ی
نورانی، من به عشق تو می نویسم به تو می اندیشم و همه جا را لبریز از شمیم
حضور تو می بینم و شبهای مهتابی را به یاد تو به صبح گره می زنم من تو را یک
رویا ندیده ام، سر به دیوار مهرت می گذارم و پشت نرده های خیال یک آرزو
آنقدر می نشینم و آنقدر می نویسم که بیایی: عزیز زهرا(س) بیا تا کوی و برزن

را به شوق دیدارت گل آذین کنم بیا که سخت در انتظار دیدنت بیقرارم، بیا تا
تمام جمعه ها پر از عطر حضور تو،
پر از عدالت گردد، بیا که دل‌های خسته طاقت این همه انتظارت را ندارد. بیا،
بیا، بیا ...

ریحانه السادات میرزایی

منتظر کوچکت؛



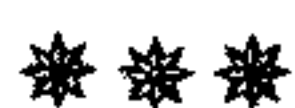
چشم به راه
طلوعت را چشم انتظارم
و هر روز با هر طلوعی چشم براه می مانم
و امتداد نگاهی را به آسمان پر ستاره خیره می سازم
و به آسمان زیبایی که جایگاه ظهور توست
و چشمانم را به فردایی که تو خواهی آمد دوخته ام
فردایی که عطر قدوم تو را همراه دارد
می دانم که تو خواهی آمد
با همان تبسمی که همیشه در نگاهت احساس می کردم
تو خواهی آمد
و طوفان ظلم را سرنگون خواهی ساخت
مهدی جان آمدنت را چشم به راهم

ظهورت را دست به دعا بر می دارم
و روزی که تو می آیی بر گذر گاهت دامن، دامن گل محمدی خواهم چید
و بر جامه سبز تو گلاب ناب خواهم ریخت
مهدی جان تا عمر برای ما باقی است بیا
باشد که این دیدگان شرمسار دیدارت را دریابند
منتظر شما؛ ویدا زارع - دبیرستان

نمی دانم چرا وقتی به گلها نگاه می کنم حس می کنم آنها دارند حرف
می زنند ولی نه، آنها دارند دعا می کنند وقتی به درختان نگاه می کنید کمی به
آنها دقت کنید آنها شاخه هایشان را مانند دست ها به سوی آسمان دراز
می کنند خاک و آفتاب زمین و آسمان گل و سبزه زار، دشت و زمین همه با هم
انتظارت را می کشند اما باید انتظار کشید تا شاید این جمعه بیاید شاید ...
بعد از خدا شما را دوست دارم شما را که آب و آفتاب زمین و آسمان دشت
و کویر و گل و سبزه زار، کوهسار و چشمه سار، دریا، خاک و همه و همه
انتظارتان را می کشند و ای امام غایب من انتظارتان را می کشم همانطور که از
دیرباز انتظارتان را می کشیدم تا زمانی که بینم روی همچون ماهتان را.

پس بگو که کی می آید تا کی باید بینم دنیای بی شما را، تا کی باید بینم
آسمان غم دیده و چشمان گریان ابرها را که هر جمعه می آیند بر فراز آسمان تا
گریه کنند برای زمین، تا کی باید بینم دو کبوتر سفید را که هر جمعه می آیند بر
بام خانه مان می نشینند و چشم به آسمان می دوزند
آسمان هر جمعه دلگیر است می خواهد بگرید اما بغض گلویش را
می فشارد تا ...

با خود می گویم پس من کی می توانم آن روی ماه گونه را بینم اما...
ناامیدی را کنار می گذارم، هنوز منتظرم پس کی می آیی، ای نهفته در
آسمان! امام زمان (ع) دوستدار شما
فاطمه ماهرری ابتدایی



تو بهانه ی آن ابرها که می گریند بیا که صاف شود این هوای بارانی
روزها و سالها رفتند و گذشتند و من در اندیشه باز آمدنت کوچه را
می نگرم، ولی افسوس که مدتهاست که کوله بار هجرانت را به دوش
کشیده ام لیکن دوری شما را باور نداریم بی شما بودن را تجربه کرده ایم، تجربه
ای بس تلخ، زنبودنت گریستیم و با یاد و خاطراتت زندگی کرده ایم. جمعه ها
یکایک سپری می شوند و من هنوز هم منتظرم، منتظر آن جمعه ای که شما بیایی

آقای من کی می شود که بیایی تا سر بر خاک پای مبارکتان بنهم و خاک پایتان را سرمه ی چشمان گریبان خود کنم.

آقا کی می شود که بیاید و منتظران شما نظاره گر شکوفایی گل‌های عدالتان باشیم.

کی میشود که بیاید که امیر مستضعفان و محرومان جهان شوید و بچه های فلسطینی را از ظلم و ستم برهانید

آقا جان دلتگم، دلتنگ روی ماهتان پس ظهور کنید تا دلتگیهایم برطرف شود

مهدی جان! کشتی عشق و محبت ما در کنار نام شما آرام می گیرد یعنی پایان بخش عشق هستی و ما عاشق شما ای مهدی جان! ظهور کن که یاد نام شما برای عاشقانت آرامشی شورانگیز است

کنار نام شما لنگر گرفت کشتی عشق

یا که یاد شما آرامشی است طوفانی

به امید ظهورت زنده ام مهدی جان! زهرا علینقی



یا مهدی، ای مولای من، ای که همه جهان آرزوی دیدن شما را در سینه نگاه داشته اند.

ای سرور و سالار تمام جهان و جهانیان ما همه هر روز جمعه چشم انتظار شما
نشسته ایم و دل به امید ظهورتان بسته ایم، پس بیایید و ما را از این گمراهی نجات
دهید بیایید تا صلح و دوستی میان ما انسانها پدیدار شود و ظلم و تجاوز از میان ما
برداشته شود.

آقا جان! ما همه آگاهیم که روز موعود در پیش است اما از اینکه کی فرا
خواهد رسید بی اطلاعیم

ای صاحب الزمان، ای که با شنیدن نام شما، تن قوی ترین دشمنان اسلام به
لرزه در می آید.

ای آقا و سرور ما شما خودتان خوب می دانید که جامعه با این بدحجابی ها و
تهمت زدنها و غیبتها و دروغ گفتن ها از هم پاشیده شده است پس بیایید و جامعه
را از این آشوب نجات دهید شما که می دانید همه جا برای دیدن روی ماهتان و
ظهورتان شب و روز دعا می کنیم.

مرجان عسکری نژاد - راهنمایی

به امید ظهورتان



- آقا جون سلام!

هر شب با خودم میگم نکنه شما را یک بار در دنیا ببینم.

آقا جون! شنیدم جمعه می آید؟ کدام جمعه؟ نمی شد اشاره می کردید!

همش با خودم میگم این همه مسلمان، اما فقط نماز می خوانند نه حیایی، نه حجابی پس چرا میگن تا آدمها خوب نشن شما ظهور نمی کنی، بعضی ها هم میگن همان هایی که حیا دارند و حجاب را رعایت می کنند همان ها باید غیبت نکنند، دروغ نگویند و دعا برای فرج کنند....

آقا جون خودتان دیدید که سامرا حرم عسکرین را دوباره خراب کردند یک بار توی گنبد و یک بار هم توی گلدسته ها بمب کار گذاشتند.

آقا جون می دونید آنها فقط قصد اذیت و آزار شما را دارند و شما هم این چیزها را که می بینید فقط صبر می کنید و این کارها خیلی خیلی شما را ناراحت می کنه، این کارها حتی شیعیان شما را هم ناراحت میکنه دیگه حرفی ندارم. به

فاطمه نکویی

امید ظهورتان



بر ساحل انتظار

ای آخرین ستاره ی آسمان عشق! ای تنها ناجی جهان! به من بگوید کجای این سرزمین مأوا گرفته اید؟ به من بگو تا بدانم سربر کدامین دیوار بگذارم که پیغامی از شما داشته باشد!

شما ای مهربان! بگو قلبم را به کدامین خانه عشق روانه کنم که شما در آنجا صاحب خانه باشید؟

از کبوتران نامه بری که در کنار جوی آب آشیان کرده اند، از چلچله هایی که تازه از سفر برگشته اند، از پرستوهایی که قصد مهاجرت به سرزمین عشق را دارند، از ... همه ی آنها نشان شما را پرسیدم، همه گفتند که شما همین جا پیش آنها بوده اید و پیغام داده اید که روزی می آید و ما را از غم و غصه آزاد و رها می سازید، اما ای کاش زمان آمدنتان را اعلام می کردی تا اینقدر در تب انتظار نسوزیم.

حدیث پاکدامن - راهنمایی



محضر مولا و سرورم یوسف زهرا سلام!
آقای من امیدوارم وجود مبارکتان همیشه ی ایام سلامت باشد.
می دانم همه جا هستید و می دانم به ارادتمندانان نظر لطف دارید و این را هم می دانم که شاید این بنده گناه کار و رو سیاه لیاقت سربازیتان را نداشته باشم.
اما وصف کرامتتان را بسیار شنیده ام و نیز اعتقاد دارم اینقدر بزرگوارید که گوشه ی چشمی به گناهکاران امت جدتان داشته و دارید و همین امید را بس است که شاید در زمره جارو کشان کویتان به شمار آیم.
مولای من همواره دست دعایمان به درگاه حضرت دوست بلند است که در فرجت تعجیل فرمایید تا بیایید و چهره ظلم و بی عدالتی را از جهان بر کنید و عدالت را در جهان بگسترانید به امید آنروز - ان شاء الله

اللهم عجل لوليک الفرج

فاطمه خوزستانی



اندر آینه دل عکس شهی می طلبم

به حریم حرم دوست رهی می طلبم

روز و شب ناله زنان، ندبه کنان

اشک فشان از خدا دیدن رخسار وی می طلبم

سلام آقا جون!

سلامی به گرمی دستانتان و به لطافت عبایتان، آقا جون می آید که دنیا را با وجودتان روشن سازید و همه جا را پر از عدل و داد کنید، ای قائم کی می آید که با قیام خود همه بدیها را از بین ببری، اما مهدی موعود سالهاست که در کوچه های قلبم به دنبال شما می گردم اما افسوس که شما را نمی یابم، مادرم می گوید: وقتی قرار بود من پا به دنیا بگذارم پدر خواب یکی از ائمه اطهار را دیده و او به پدرم گفته: که فرزندات دختر است و نامش را هم نام مادرم زهرا قرار ده، پدرم در همان عالم خواب از او پرسید: شما کی هستید؟ او گفت: من نهمین نسل از نسل حسین هستم. باورم نمی شود یعنی من اینقدر سعادت دارم که اسمم را شما انتخاب کردید.

چند روز پیش از مادرم پرسیدم امام زمان (ع) کی می آید؟ مادرم گفت:
بزودی وقتی که همه منتظر او هستیم، روزی که او بیاید روز سرور و شادی تمام
رنجیدگان روی کره زمین است به امید ظهورت

زهرا فدایی - ابتدایی



هوالمحبوب

ای که گفתי عشق را درمان به هجران کرده اند کاش می گفתי که هجران را
چه درمان کرده اند

سلام من به او که عطر آسمان خداست و بر اریکه دلها تکیه زده است.
محبوب من! برای آمدنت سالهاست که به انتظار نشسته ام ولی افسوس که از
آفتاب فیضت محروم مانده ام، سحر گاهان در محراب عشق سجاده نیاز
می گسترانم و با اشک وضو می سازم و با خیال روی شما تکبیر می گویم. در
تنهایی ام با مداد رنگیهایم یاد خوب آمدنتان را نقاشی می کنم و جاده ی سفید
رفتتان را خط خطی، کسی نیست که زندگی را برایم دیکته کند، غلطیهایم را
بگیرد و دور روزهای اشتباهم خط بکشد و مجبورم کند از روی هر تجربه هر
کدام روزی ده بار دوره کنم. مهدی جان، لحظه هایم را قسم دهید تا بدانی در
نبودنتان چه کشیده ام، از کدامین غروب، طلوع می کنید تا بگویم مرغابی ها
چمدانهایتان را بیاورند؟ آن هنگام که باران مهمان غزلهای خزان زده ام بود و
بر که ی لحظه های تنهاییم بدون مرغابی بود، تنها ستاره ای که در آسمان خاطر
سوسو می زند، شما بودید.

آقا جان، زمین خوردنم را تماشا نکنید، بیایید ببینید قلب بهانه گیرم را،
لجوجانه پای به زمین می کوبد و هر روز شما را از من می خواهد.

فاطمه بهرامی

از طرف یک منتظر



سلام مهدی جان! جانها همه فدای تو، ای امام غریبم، نمی دانم از کدامین دردها به شما بگویم ای امام زمان آنقدر دوری شما برای ما شیعیان سخت است که شب و روز در فراق شما می سوزیم و ناله سر می دهیم. روز جمعه که می شود شاد و خندان می شویم که شاید شما بیایید و قدم بر روی چشمهای ما گذارید و دنیا را پر از عدل کنید. مهدی جان بیایید و قبر گمشده ی مادرتان حضرت فاطمه زهرا (س) را پیدا کنید و انتقام همه این جنایتهای غرب و شرق را از آنها بگیرید بیایید که ما دلتنگ جمال روی ماه شما هستیم ما در این دوره از زمان که خیلی مشکلات است ما فقط می گویم امام زمان را داریم. خدایا درود فرست بر مولا و سرورم صاحب الزمان و مرا از یاران و پیروان و مدافعان و نصرت کننده گانش قرار دهید از آنان که در رکابش شربت شهادت می نوشند، با شوق و رغبت بی هیچ گونه کراهتی انتظار می کشند آماده بودن نخستین شرط وفاداری است، آراستگی رفتار و پیرایش کردار و همانند سازی جلوه های زندگی با الگوهای پذیرفته شده امام، نمادهای آمادگی است. هر یک از ما خودش را برای خروج قائم آماده کند ولو با تهیه یک تیر، یا که اگر خداوند این آمادگی را در نیت ما ببیند. امیدوار هستم که خداوند در اجلمان مهلت دهد تا ظهور او را درک کرده از اعوان و انصار آن بزرگوار باشیم.

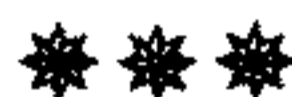
زیباترین اثر انتظار همراه با آمادگی، شکل دهی شخصیت و ساماندهی زندگی بر اساس معیارهای دینی است، در این صورت شایسته این بشارت خواهیم بود: خوشا به حال پیروان قائم.

آنکه در دوران غیبت، ظهورش را به انتظار می کشد و در عصر ظهورش در پیروی از او پای می فشارند، آنان اولیای خدا هستند که نه ترس در دل و نه از چیزی واهمه دارند.

دوستی مهدی موعود (ع) همراهی و متابعت او را می طلبد تا توفیق یار بودن به ما ارزانی شود بنابراین با درنگ در نشانه ها می توان خود را محک زده و حریم دل را برای درک قائم آذین بست و به انتظار موعود مهیا شد، انتظاری که امام صادق (ع) چنین از آن یاد می کند: به خدا سوگند من اگر امروز را درک می کردم جانم را برای صاحب الامر (ع) فدا می کردم و در گفتار دیگری می فرماید: اگر او را درک می کردم تمام عمرم را در خدمتگذاری او می گذراندم.

بار خدایا ما را از یاوران و کمک کنندگان وی قرار ده، آنان که از پی انجام و مقاصدش شتافته و اوامرش را امثال کرده و به حمایت او برخاسته

خدایچه رعنائی



با سلام به عزیزتر از جان

مهدی جان تمامی عاشقانت انتظار آنروزی را می کشند که بیایی و با آمدنت کشتی طوفان زده این زورق شکسته را به ساحل مقصود رسانده و این عاشقان چشم انتظار را امید زندگی بخشیده و شهد شیرین عدالت و برابری را در کامشان ریخته و تصلی دل دردمندشان باشید.

گفته اند جمعه آنروزی است که خواهی آمد. آروزی دیدار شما آنچنان بر جانمان رخنه کرده که هر جمعه را با یاد شما و با خواندن دعای ندبه شروع می کنیم برای سلامتی و تعجیل در ظهورتان صدقه می دهیم و غروب دلگیر آنروز را با اشک دیده به پایان می رسانیم و آرزو داریم آخرین جمعه ای باشد که در فراق شما سپری می شود با امید هفته ای را سر می کنیم تا در جمعه دیگر شاید چشمان ناقابلیمان به دیدار رخ زیبای شما روشن گردد به امید آنروزی که بیاید و تمامی مسلمانان و ستمدیدگان را یاور باشید و پرچم سبز عدالت و دوستی و برادری را بر تمامی جهانیان بگسترانید

مهلا عسکری نژاد بهزادی

به امید ظهورتان

همه هست آرزویم که بینم از تو رویی

چه زیان ترا که من هم برسم به آرزویی

همه موسم تفریح به چمن روند و صحرا

تو قدم به چشم من نه بنشین کنار جویی

باز هم جمعه فرا رسید و دلها تنگ دیدار است می گویند اگر بیاید چون آبی
روان همه غمها و غصه ها را با خود می برد و دلها و جانها بی قرار به سامان می
رسد.

مولای سبز پوش من، همیشه گفته اند که اگر تو را خالصانه و از صمیم قلب
بخوانیم لبیک تو را می شنویم شما گوش شنوا هستی که محرم رازی، با تو که
حرف می زنم میدانم گفته هایم بین من و تو می ماند. ای یار غائب از نظر، به
خدا دلم از این همه دورویی و دورنگی به تنگ آمده است. تا کی باید مظلومیت
پایمال و لگد کوب ظالمان گردد و تا کی باید خونهای مردم بیگناه به خاطر
هوس بازی عده ای دنیا طلب سنگفرش کوچه ها و خیابانها را رنگین سازد. تا چه
زمانی ندای انسانهای رنج کشیده در گلو خفه شود و صدای آنانی که همه چیز را
برای خودشان می خواهند گوش جهان و جهانیان را کر سازد.

همه ما میدانیم و به ما وعده داده اند که منجی خواهد آمد و جهان را پر از
عدل و داد خواهد کرد. هر جمعه با صدای بغض آلود شما را صدا می کنیم و
ظهورتان را از خدای مهربان طلب می کنیم. می دانیم که اگر شما بیاید دیگر
هیچ ابر قدرتی را یارای سخن گفتن نیست و همه قدرتها درید با کفایت شماست،

دوست دارم هر روز برای شما نامه ای بنویسم و برایتان درد دل کنم، از آنانی
بگویم که با اعمال و رفتارشان خنجر به قلبتان می زنند و از خدا بخواهم که
کمکم کند تا من انسانی باشم تا هیچ وقت قلب شما را نیازارم و مشمول دعا و
عنایت شما باشم من می دانم وعده دیدار نزدیک است و بامدادی زیبا خورشید
امید از افق انتظار طلوع خواهد کرد و همگان صدای رسای شما را که پشت به
کعبه داده ای می شنوند. یعنی می شود من هم آنروز سیمای مهربان شما را بینم.
گفته بودم تو بیایی غم دل با تو بگویم

چه بگویم غم از دل برود چون تو بیایی

سحر مظاهر کرمانی - دبیرستان



سلام آقا جان!

ای تک سوار عرب، مرا دریاب. ای اباصالح، مرا دریاب. ای ابالقاسم، ای
مهدی جان مرا دریاب. ای صاحب وقت و زمان، مرا دریاب، دریاب، دریاب و
به خود وامگذار که البته من درمانده و خوارم. هنوز از آمدنتان خبری نیست، گلها
دوباره شکوفه کردند ولی هنوز از آمدنتان خبری نیست و البته همه ی ما می دانیم
که زمانی ظهور می کنید که در بین ما خیر و خوبی بوجود آید. روزها لحظه
شماری می کنیم و چشم انتظاریم دیگر صبر همه ی ما به پایان رسیده است و

حتی یک لحظه هم طاقت دوری نداریم کاش می شد نگاه کنیم و حرفهای دلمان را با شما بگوییم میدانیم شما از حال ما باخبری اما ای کاش نشانیت را می دانستیم و می شد برایتان نامه می نوشتیم تا بخوانی و جوابش را برایمان بنویسید ای امام عزیز، کاش می شد آرزوی ما بچه ها را برطرف کنید آرزوی ما برقراری صلح و عدالت، آرامش و امنیت برای همه کودکان جهان است.

جنگ سی و سه روزه ی لبنان و رژیم صهیونیسمی با شکست اشغالگران به پایان رسید و نشان داد که امام زمان (ع)، همراه آنها بود و خیلی کمکشان کرد امام زمان (ع) کاش طوری می شد که شما با همه بچه ها و بزرگها ارتباط داشته باشید.

همچون سید بحرالعلوم هنگام شنیدن لحن قرآن شما به این سرود مترنم شد

که

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلریا شنیدن

به رُخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

و عارفی چون سید علی آقای قاضی (ره) چنان مست شهود و معرفت گردید

که هر روز به دیدار آن طلعت رشید بار می یافت و می گفت: کور است چشمی

که صبح از خواب بیدار شود در اولین نظر نگاهش به امام زمان (ع) نیفتد و امام

زمان (ع) می فرماید: من از احوال پیروانم باخبرم.

وصال او طلبیدن نه کار هر خامی است

بسوزد ای دل اگر با منت سر یاری است

فهمه شریف پور - راهنمایی



تقدیم به پیشگاه مولایم، مدرس مکتب اخلاق، موعود زمان!

مهدی جان، در میان موجهایی که تازه به دنیا آمده اند در میان شاخه هایی که عاشقانه شکوفه کرده اند در لابه لای ابرهای مهربانی که فردا باران می شوند و در آخرین کلمه سرخی که شهیدان بر لب آورده اند، شما را می بینم و اگر جاده زندگی ام رو به انتها نرسد آنقدر بیدار می مانم تا بیاید. من بی شما یک پرنده ی بی آسمانم، یک نسیم سرگردان، یک رویای ناتمام.

آقا جون بیا، بیا که بی شما دلها غمناک است، ای تنها بهانه ام برای زندگی، بیا که بی شما زندگی معنا نمی دهد، بیا و زندگیمان را معنا بخش بیا و دلتنگی هامان را به پایان برسان، بیا و عدل و عدالت را در همه جای این دنیا برپا کن، بیا و از تنهایی جدایمان کن، بیا و پایدارترین عدالت را برقرار کن.

زندگی بی مهدی (عج) یعنی اتلاف وقت و خدایا نگذار اینگونه وقتمان تلف شود، بیا که بی قراریها آتشین شده اند بیا که ستمگریها نیکوییها را ربوده اند، مظلومان، دیگر فریادرسی ندارند و منتظران دعای تعجیل می خوانند و ذکر

ادر کنی سر می دهند و لیک گویان به استقبال عدل می آیند. بدانید که همه برای
شما و به عشق شما جمکرانتان را سلام می دهند.

ای نگار مهربان و ای آرام دل‌های بی قرار، با من بگوئید که در کدامین صحرا
خیمه زده اید.

و در کجا سکنی گزیده اید تا من هم ساکن آن کوی و برزن شوم.
من میدانم که روزی با قافله ای از نور می آید و این شب ظلمانی و تاریک را
به انوار منور خود نورانی می کنی، پس ای مه منتظران، منتظران می مانیم. آقای
من غیبت شما بهانه ای است تا هر بار غم تنهایی ام را با یک عزل از شما پایان
دهم. شاید نه، شما خود همه ی دل‌تنگیهای من هستید. هر بار ه بی بهانه دلم تنگ
می شود، با یاد شما ای عزیز غم از یادم می رود.

به امید ظهورتان مهدی جان

فرزانه مهدیزاده



سلام بر مهدی فاطمه (س)، سلام بر تک سوار دشت حجاز!

آقا و سرور مستضعفان جهان، ای که از تبار شقایقها و لاله هائید، آقا از زمانی که خود و خدا را شناخته ام این را یاد گرفته ام که مهدی فاطمه خواهد آمد او زمانی خواهد آمد که ظلم و ستم جهان را فرا گرفته و مردم ستم دیده، نیاز به پرچم سبز عدالت داشته باشند.

آقا مگر نه اینکه امروزه در سراسر دنیا تمامی دوستدارانت زیر چکمه های دژخیمان ستمگر استبداد آمریکا و انگلیس و حامیان آنان قرار دارد.

آقا مگر فلسطین و افغانستان و عراق، لبنان و .. را ندیدید که در زیر ستم دژخیمان کمر خم کرده و قطره قطره زیر زمین فرو می روند.

آنان مردانه تا آخرین نفس، خود را پایدار نگه می دارند اما مگر نه اینکه انسان پوست و گوشت و استخوان تبدیل به فولادهای آبدیده ای خواهد شد که هیچ، توان رویارویی با آنان را نخواهد داشت.

آقا دیدی که فرزند برومندت حضرت امام خمینی (ره) به پشتوانه ی پدران و مادران ما، طاغوتی از طاغوتیان را محو جمال جمیل خود کرد و ما نیز فرزندان آن پدران و مادران هستیم که تا آخرین قطره خون پشت سر شما خواهیم ایستاد.

ای کاش چشمان گناهکار ما به جمال نورانیتان روشن شود، ای کاش ظهور میکردید و با طلوع دل انگیز خود جهان را پر از عطر و نور می نمودید، من میدانم

که روزی فرا خواهد رسید و خواهید آمد و آیات الهی خود را در گوش کائنات
تلاوت خواهید کرد

فاطمه قریبی - ابتدایی

به امید عطر افشانی امروز



سلام بر مولایم مهدی (عج)

نمی دانم چه بگویم که سخن بسیار است و من غمگین. آری، غمگین از
دوریت و لرزش صدایم، در عرض سلامم به دلیل غم بزرگی انتظار توست.
مولایم، عمری است که جان ها عاشق تر شده اند و عطش دوریت، بیشتر در
دلها رخنه کرده است. صدایت می کنم، می دانم که مرا بی پاسخ نخواهی
گذاشت. بی تو، همه جا را سیاه می بینم. کوچه ها، خیابانها، خانه ها و حتی جاده
ها بدون شما معنایی ندارد دوستان دارم، بی آنکه نشانی از شما یافته و یا حتی
شما را دیده باشم.

عشقتان، چو خون در رگهایمان جاری است جانها دیوانه وار شما را
می جویند. حتی سرعت ثانیه ها در ازدحام لحظه ها نشانی از شما دارد.
ای واژه معرفت!

قطره های اشک، نشانگر وسعت چشمان شماست و جنگ سخت نفس های
حبس شده برای شماست. دوست دارم که شما را چون خورشیدی درخشان در

آسمانها بینم و با گرمای وجودتان جان تازه ای بگیرم و در شب برای یافتن ستاره ها را چراغ راهم قرار دهم. قلبها در تپش اند. دیگر چشمهای منتظر بر در، توان دیدن ندارند

ای آفتاب ولایت! پس کی گرمی حضورتان را بر سردی نگاههای منتظران می اندازی؟ دل سنگ دشمنان یارای مقابله نور وجودتان را ندارند. شما را می جویم، از اعماق وجودم. با نور چشمانم راهتان را چراغانی می کنم از طراوت وجودم، سر سبزی را به خاک پایتان هدیه می دهم و با اشک چشمانم، گلبوته های محبت را آبیاری می کنم. عطش وصالتان آتشی بر جانم انداخته است جز شما چه کسی قادر به خاموش کردن آتش وجودم است؟ می سوزم از دوریتان چون بیابان از دوری دریا خارهای وجود من، سدی است بر راهتان. با دستان ناتوانم خارها را از ریشه می کنم تا شما بیابید. می خواهم از شما بگویم که معرفت وجودتان، عشق بشریت را تسخیر کرده است اما ... چطور میشود وسعت آسمان را در چند سطر گنجانند؟

مولایم!

تا شما هستید هرگز طعم تاریکی را نخواهم چشید پس کی این انتظار به پایان می رسد؟ آیا شما را خواهم دید یا انتظارم با مرگ پایان می پذیرد؟ اگر شما

نیاید پس عاشقانت را چه می کنید؟ آنها که از عشقتان سر بر بیابان گذاشته اند و در نیمه شبها فریاد «عجل علی ظهورک» را بر می آورند.

ای مظهر هدایت در همه جا نشانی از شما دارم. اما شما را نمی یابم در حسرت دیدنتان به اشک لبخند می زنم و با غصه انس می گیرم.
آقا جان دنیا برایم همانند سرابی است در صحرایی خشک و من تنها سرگردان و متحیر به دنبال شما می گردم. مرا دریابید.

ای همه روح و جان من!

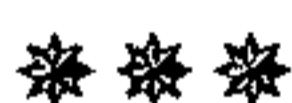
چندی پیش نیست که شما را می شناسم. جمعه حال و هوایی عجیب دارد هوای محبوب را در سر می پرورد جمعه عطر گلهای نرگس را در کوچه های عالم می پراکند قبله من، طلوع شماست و پروانه ها گرد طلوع شما طواف می کند غروب جمعه ای که بی شما باشد غم انگیز است چون لحظه های انتظار در اوج سرعت به کندی می گذرند ستاره ها در جستجوییتان هستند کجایید؟ ای خورشید ولایت چرا بر دریا نمی تابید؟

سرورم برای رسیدن به هر جمعه لحظه شماری می کنم پس وعده دیدار ما در کدام جمعه نهفته است؟ بیاید و با طلوعتان غروب ناامیدی را نابود سازید.

آقا جان دیگر ثانیه ها هم از بازی انتظار به ستوه آمده اند سکوت لحظه ها از دوریتان فریاد بلند انتظار سر می دهند خورشید بی شما سرد و خاموش و مهتاب بی فروغ است.

نامتان را بر لوح دلم حک کرده ام سکوت سرد خانه ام حکایت از غریبی ام دارد. بدون شما آشنای دیرینه ام، با همه کس بیگانه ام به ندای قلبم گوش کنید. تپش قلبم، توأم با ثانیه های ساعت حتی تندتر از آن، رو به سوی جمعه دارد، در پی شما

عاطفه السادات میر عطاءالهی - دیرستان



نامه ای به نامدار ولایت

می خواهم از آن بلندی کران بی نهایت سطری بنویسم آیا توانی هست؟ می خواهم به عشق نوشیدن قطره ای از جام ولایش جلوه هایی از جلوه و شعله ای از ملکاتش را بنگارم، آیا رخصتی هست؟

سلام آقا!

دلم گرفته، آسمان در گلویم زندانی است، اشک از مژه هایم جاری است چشمهایم در لحظه تاریخ بی شما باریده است جهان دوباره شما را می طلبد تا دوباره دستش را بگیرد و در پس کوچه های زندگی راهنمایان باشند نام شما خورشیدی است که زمین با تمام کوه ها به طوافش احرام بسته

اقا جان در زمستان غیبت بر محمل بهار دیدمتان که نماز می گزارید و شنیدم
ذکر قنوتتان را، چشیدم حلاوت دعایتان را، دیدم رکوع و سجودتان را، شما
حاضری در لحظه لحظه زیستن مادر هر پگاه و نگاه ما، در ژرفای نماز و نیاز ما.
ای نامدار ولایت!

شما تجلی تام و تمام رحمت، محبت و رأفت بی انتهای الهی اگر محبت تمام
پدران و مادران عالم به فرزندانشان را در یک جا جمع کنید و آنگاه محبت شما
را نسبت به فرد، فرد امتان در نظر آورند، قیاس این دو محبت بسان قطره ای
نسبت به دریا است.

آقا جان! هیچ شمع نیست که به امید سپیده ظهور شما تا صبح فرج در
شبستان انتظار نسوزد اینک با شما از کدم دلتنگی خود بگویم، ای خوبترین نمی
گویم با من به از آن باش که با خلق جهانی که میدانم شما با هر کس همانی که
اوست. ای همه لطف، روی به کدام کعبه، نماز عهد بگزارم که خود مقصود کعبه
ای و موعود قبله ای آخرین پیغام سبز ما همه عریضه دلتنگی می خوانیم و نامه
شکر طومار می کنیم، باشد که از این دو راهی منزل، یکی به مقصد رسد. ای
بقیه الله! از ما جز چشمی برای انتظارم و دلی برای امید باقی نمانده است. این چشم
و دل را نیز خاک راه تو کرده ایم، باشد که غباری از آن بر گوشه ای از قبای شما
نشیند.

اینک جرعه ای از جام نیایش خود را در جام ما فرو ریز، ای قبله گاه سر
طواف کوی شما را داریم را همان بنما، ای زلال زمزم معنا، از سرابهایمان وارهان،
ای مهر جانها بسر آی و ای فروغ عرفان، بتاب، ای ققنوس خوش نوای عالم معنا
بال فرج بگشا و از قاف غیبت به در آی، ای راز بزرگ، چهره بنما
ای سراینده مثنوی بلند رهایی، اینک سروده ی ظهور خویش را بر ما بخوان،
آری او خواهد آمد تا دین و آیین مهر را در سرتاسر گیتی پر کند و رحمت و
رافت بی پایان الهی را در حق بندگان به اتمام و اندیشه و ایمان و اخلاق ایشان را
به نهایت درجه ی امکان برساند.

فاطمه نوزدی - دبیرستان



عجب غروبی، این جمعه هم گذشت ولی چشمان به جمال نورانی شما روشن
نشد شنیده ام زمانی که شما ظهور کنی مردم آنقدر از جلال، عظمت و شکوه شما
به حقارت خویش پی می برند که نمی توانند حرفی بزنند یا
نمی دانند چه بگویند من دوست دارم روزها با خود تکرار کنم، السلام علیک یا
حجه ابن الحسن تا وقتی کمال و بزرگی شما را مشاهده کردم سلام اولین کلامی
باشد که بر لبانم می نشیند سلامی به شما شاه خوبان.

آقا جان! خیلی دلم گرفته امام مهربانم منتظر هستم تا شما بیاید جهان از بوی خوش عطر گل نرگس معنی پاکی و صداقت را حس کند هر روز بعد از نماز و دعاهایی که می خوانم از خدا طلب می کنم که ظهور شما نزدیکتر شود و شما را زیارت کنم نمی دانم چه بگویم دلم می خواست الان پیش من بودید تا گلهای باغچه دلم را به گنجشکانی که صدای آنها در اعماق وجودم طنین انداز می شود بدهم تا به شما برساند و به نسیمی بسپارم تا آنها را با خود به اوج ببرد تا بالا تا ابرهای سفید این نامه را که می نویسم روحم در آسمان است و جسمم در زمین و وجودم دریایی بی کران است شما شاهکار آفرینش و تجلی گاه زیبایهای بی شمار هستید الان در فضای خانه بوی اسپند پیچیده.

آقا جان! کودکی در کوچه مشغول صلوات فرستادن با صدای بلند است و من به او آفرین می گویم دوست دارم با قالیچه پرنده ای که از لطف و عنایت شما بافته ام به سوی شما بشتابم وقت خداحافظی رسیده اما نمی خواهم از نوشتن برای شما دل بکنم و نامه را اینگونه به پایان می رسانم. السلام علیک یا بقیه الله فی ...

فرزانه سلطانی



سلام بر آل یاسین، سلام بر شما که خود سلامی و پیام آور سلامتی، سلام بر شما که پرچم برافراشته هدایتی، آنگاه که شما رفتید گفته بودید که روز جمعه

خواهید آمد، جمعه امید را پر رنگتر می کند غروب جمعه که فرا می رسد پشت همه ی درختها می شکنند وقتی که می رفتید رمضان و محرم را با انگشتهایتان نشان دادید و رفتید وقتی رفتید مدینه در خود فرو رفت، محمد (ص) غریبانه در میان شهر و زنجیره ای از حارسان ماند، بقیع غمگینتر از هر زمان در آرزوی گامهای نوازشگرتان نشست، گلدسته ها در خیال سر دادن نام زیبایتان در میانه ی طوفان بلا مانده است، مکه جایی است که گفته اند بانگ زیبایی انا المهدی را از آنجا سر خواهید داد.

مولای من اگر چه ما را توان سرودن نام بلندتان نیست اما دیدگان ناقابلیم را وقف تماشای قامت رعنا ی شما نموده ام آقا جان! من با شما عهده و پیمان می بندم که در غیبت هیچگاه از مرام شما دست نخواهم برداشت. ای موعود قرآن، می بینم که شکوه طبل آمدنتان کاخهای سفید و سیاه فرعونیان را به لرزش انداخته و خواب راحت را از چشم آنان ربوده است آی آخرین طوفان، روز موعود هم صدا با فرشتگان فرمان جاء الحق ظهور شما را در پهنه گیتی جشن بگیرند، ای خرمی همه روزگاران.

دهید مژده به یاران که یار می آید

قدار گیتی چشم انتظار می آید.

محدثه نیک نفس - راهنمایی



تشنه دیدار

در مقابل طوفان سربلند کرده ام تا بیایید و پناهگاهم باشید در برابر غم ها و جدایی ها ایستاده ام تا بیایید و مرهمی بر زخم هایم بگذارید در برابر سرکوبهای دیگران و نفس، برای اینکه عشق شما پایمال نشود محکم و استوار ایستاده ام تا بیایید و رفع عطشم باشید پس بیایید و مرهم بر تن خسته ام باشید شاید فردایی برای من نباشد که من چشم انتظار شما باشم، محبوب من! روزی که تو را یافتم و مبهوت عشق شما گشتم و شما را مرهم بر زخم هایم قرار دادم آن روز را روز فرشته نامیدم روزی که عاشقانه به دل دادم و صید قلب رثوفتان شدم آنروز را روز عاشقی خواندم روزی که با نگاه سرشار از محبت شما گره مهر را بینمان محکم ساختم آن روز را روز دلبستگی دانستم روزی که با دل به خون تپیده شما با وفایی آشنا شدم آنروز را روز همدلی نام نهادم اما امروز که از شما جدا هستم و جدایی مانعی برای رسیدن به شماست امروز را روز مرگ پرستو می نامم.

آقا جان! شما را قسم به خدایی که ما را آفرید مگذار جدایی به روحمان بنشیند حال که جسم دور است مگذار روح تنها بماند از خدا می خواهم که هر چه زودتر فراق به پایان رسد و شما را بینم و به خاک پایتان بیفتم و بگویم مهربانم دوست دارم یار شما باشم و می خواهم فرش زیر پای شما گردم هر کدام را قبول کنی.

دوست دارم وقتی پیدایتان می کنم آنقدر به دامت ضجه زخم تا دیگر مرا
ترک نکنید.

مولایم! چشمهایم را به کوچه خلوت تنهایی دو ختم تا شاید بیاید و چشمانم
را از انتظار بیرون آورید نگاه منتظرم را به هر سو دوختم تا شما را بینم آنقدر
گریستم که پلک هایم آهسته آهسته روی هم آمده ولی خبری از شما نشد به
خود گفتم انتظار چقدر سخت است چشم به راه بودن چقدر سخت است، به خود
گفتم ای عاشق دل خسته برخیز که معشوق از این کوچه گذر نخواهد کرد،
برخیز و جایی دیگر منتظر او بنشین.

بیا و باور کن که من تشنه محبت ام و هر چه از من دوری کنید عطش من
بیشتر می شود بیاید و رفع عطش کنید

مهدی جان دوست دارم با دست های نوازشگرتان دست نوازش بر سرم
بکشید و با چشم های دلربایتان عشق را به من هدیه دهید و با قلب رئوفتان دنیا را
برایم معنا کنی.

دوست دارم آرزوهایم را در مقابل شما به خاک بسپارم تا شما فکر نکنی که
من جز رسیدن به شما آرزوی دیگری دارم.

ای امید دهنده، خواهان قلب رئوف و دل غمدیده شما هستم؛ شنیده ام که به
مسجد جمکران میروید و آنهایی که بصیرت دارند شما را زیارت میکنند به خودم

گفتم که من در شهر قم نیستم که هر هفته به مسجد جمکران بروم حال باید چه کنم تا اینکه تصمیم گرفتم جمکران کوچکی در کنج حیاط خانه درست کنم و به انتظار شما بنشینم تا شاید شما بیایید، نمی دانم که به جمکران حقیر من می آید سالهاست که انتظارت را می کشم پس انتظار من چه موقع به سر می آید.

به خدای خود می گویم، ای التیام دهنده قلبها، ای نگه دارنده خورشید آسمان، ای پروردگار یکتای آشکار و نهان ترا می ستایم و از تو می خواهم که تعجیل فرمایی در ظهور امام زمان (عج) نمی دانم که آیا خدا دعای مرا مستجاب می کند یا نه اطمینان دارم که اگر پدرتان حسین ابن علی (ع) دست به دعا بردارد و برای ظهور شما دعا کند یقیناً خواهید آمد ای امام زمان (عج) زمانه شما را می طلبد و انتظارتان را می کشد، زمانه ظلم را بر نمی تابد پس شما را صدا می زند که بیاید و این دنیای دگرگون شده را از بیراهه نجات دهید چشمان منتظرمان را از انتظار بیرون آورید!

الله کاربخش - دبیرستان



سلامی با هزار اندوه تقدیم شما ای فرشته نجات هستی!
دلم گرفته است، به که درد دل کنم ای کاش در کنارم بودی و بغضم را می دیدی سیاهی و تاریکی در حال فرو افتادن در تمام جهان است، جنگها را بنگر و

همه ی مردم بیگناهی که با دلی پر از اندوه از خانه و آشیانه خود جدا شدند و همچون پرستوهایی مهاجر از شهر و دیار خویش رفتند آری افغانهای بی پناه و عراقی های بیگانه که مظلومانه جنگیدند و شهید شدند ای کاش می آمدی و دنیا را از پلیدی پاک می کردی.

مادرم می گوید: او زیباست، پدرم می گوید خالی زیبا در صورت دارد اما من بی صبرانه می گویم کاش زودتر بیاید، بیا که چشمان منتظرین هر لحظه و از پس هر ماه جای قدمهایت را می جوید" به امید روزیکه با آمدنت روح آشفته ام را التیام بخشی "

آرزو گواشیری - راهنمایی



سلام بر / خورشید عشق، سلام بر خوشبوترین گل زمان، سلام بر نوری که هرگز خاموش نخواهد شد، سلام بر مهدی امتهای، یکی کننده ملتها

بر صحنه سپید روز گاران، بر قله ی بلند کوهساران تنها نام تو نقش بسته است نامی به نیکویی و زیباییت نخواهیم یافت نام شما را بر بلندای قلب مظلومان نظاره گر بوده ام، آمدنتان را به همه ی کسانی که انتظار ظهورتان را می کشند - دیری است عاشقان مژده داده اند، گفته اند که جمعه می آیی، آدینه ای که سرشار از برکات و فضائل است لبهای هر آدینه زیارت جمعه را به امید آمدنت زمزمه می کنند، زمزمه ای همراه با اشک و آه در حضور گلهای پر پر در لاله زار مهدیه،

آری جمعه را عزیز می دانم با ندبه به شما و با نمازهای شکوهمند، دستانی در جمعه رو به آسمان بلند می شوند که از همه جا بریده و کوتاه شده و تنها بر در خانه دوست می آیند.

ای مهر سپهر ولایت از پشت بارهای تیره انتظار بیرون آی ...

اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر

هدیه السادات حسینی



سلامی به زیبایی چشمان پر خروشت، سلامی به لطافت و مهربانی قلب پاکتان که سرشار از ایمان، پاکی و عشق به یگانه هستی است، به گرمی دستان پر مهرتان که گلهای عاشقی را که سرما وجود آنها را فرا گرفته جانی دوباره می بخشی، به مهربانی چشمان پاکتان که در آن نگاهی امید بخش است و ناامیدان را امید می دهد.

وقتی این نامه را می نویسم احساس می کنم شما در مقابل من هستید و به حرفهای من گوش می دهید اینکه به امام و رهبر خودم نامه بنویسم و حداقل چند لحظه به چیزی جز شما فکر نکنم. وقتی عاشقان که با چشمانی پر اشک زیر لب

ابا صالح المهدی را زمزمه می کنند به آنها غبطه می خورم چون به عشق پاک شما معتقدند.

آقا جان با تمام وجود و از صمیم قلبم می گویم دوستان دارم و دلم می خواهد این واژه را وارد قلبی که گناه آن را فرا گرفته است کنم و به چیزی غیر از شما و راه رسیدن به شما فکر نکنم. ای کاش ما انسانها به خود اجازه میدادیم که یک لحظه به شما فکر کنیم اما متأسفانه ما انسانها به خصوص نسل جوان ما اینقدر سرگرم امور مادی؛ مد روز، ماهواره و ... شدیم که شما را از یاد بردیم و فقط به مادیات فکر میکنیم و عاشق پول و زندگی خود هستیم و احساس می کنیم که همیشه در دنیا خواهیم ماند در صورتی که این چنین نیست و ما فقط در دنیا به مدت کمی زندگی می کنیم و زندگی واقعی در آخرت است و دنیا فقط محل گذر ما انسانهاست

اما شما اینقدر قلبتان پاک و بی ریا است که همیشه به فکر ما هستید و لحظه ای ما را فراموش نمی کنید هر چه خود ما اصلاً متوجه نمی شویم. مرا ببخشید که از کلمات بهتری استفاده نکردم لیاقت شما زیباترین، عاشقانه ترین واژه هاست اما من از بیان این ها عاجزم.

به امید روزی که چشمان پر گناهم به جمال شما نورانی شود.

طاهره محمدی



آقای من سلام!

امام من نمی دانید که چقدر دلم هوای شما را کرده . سرور من بیاید که با آمدنتان در جهان عدالت برقرار می شود.

بیاید که با آمدنتان گرد ماتم از سر و روی انسانها شسته می شود و خنده بر روی لبهایشان می نشیند. مولای من دل تنگم هر روز بهانه ی شما را می گیرد. آخر گناه ندارد که این دل را منتظر بگذارید؟

میدانم، میدانم که شما تقصیری ندارید، میدانم که شما هم دوست ندارید که منتظران شما در انتظار به سر بیرند و میدانم که اجازه ندارید تا خدا فرمان نداده ظهور کنید.

چه می شود کرد؟ باید فرمان را اجرا کرد وقتی که فرمان از جانب معشوق باشد.

ای گل خوشبوی زهرا بدان که قلبم برای تو می تپد و بدان که اگر روزی با گفتن نامت آن را بر روی صحنه ی قلبم ننویسم آن روز، روز مرگ من است . ای صاحب الزمان، شبها به امید دیدن خواب شما سر بر بالین می گذارم . و روزها به

امید ظهورت به انتظار می نشینم. هانیه پاکدامن - ابتدایی

بیا مهدی شب هجران سحر کن به خاطر می ماند صدای گریه و بی تابی
کودکان فلسطینی، آه مظلومان لبنانی، صدای ظالمان عربده کش، صدای
بی اعتمادی، درد، دروغ، خیانت...

باشد آقا در خاطر می ماند، باشد کجای این زمانه بی انصاف و روزگار
بی منطق به دنبال این دو اصل باشم؟ انصاف؟ رهبرم روز به روز شکسته تر
می شود مردمان دیار زیتون آواره تر می شوند وضع خودم هم که گفتن ندارد...
غم تمامی ندارد... انگار شما هم حالا، حالاها خیال آمدن ندارید یعنی اجازه اش
را ندارید.

مولایم اگر بدانی که این روزها چقدر محتاجم به بودنتان، احساس نیاز دارم
به درگاهتان .

چقدر دوست دارم کسی معنای "الهی و ربی من لی غیرک..." را در گوشم
زمزمه کند من پریشانم اما هنوز منتظر!

زمین، زمان، عرصه آسمان، جهان، طاقتم و فضای سینه ام تنگ است.

اعظم محمدی - دبیرستان و رضوان محمدی - راهنمایی

چرا نمی آیی؟

مهدی جان کاش می توانستم با جوهری از طلا و قلمی از نقره برایتان نامه می
نوشتم مهدی جان هر لحظه انتظار آمدنتان را می کشم. دوست دارم روبه روی

شما بایستم و شما به من بگویی که من یکی از یاران خوب شما هستم چندین شب است که قبل از خواب وضو می گیرم دو رکعت نماز، مانند نماز صبح می خوانم به نیت هدیه به شما تا شاید مرا به عنوان یار خوبتان پذیرید.

یا ابا صالح دعا خواندم که به خوابم بیایی از شما ممنونم که مرا به این آرزوی چندین ساله رساندید. خورشید من زودتر بیا.

هانیه مولایی - ابتدایی



ای صاحب الزمان، من و مردم کشورم می خواهیم که تو هر چه زودتر ظهور کنی و جهان را از عدل پر کنی و به ما نیرویی ببخشی که فلسطین و مسجد الاقصی را از چنگ دشمنان بیرون آوریم ما باید اعمال صادق انجام دهیم تا شما از ما راضی باشید، نبودن سایه بر سر مردم خیلی سخت است وقتی که شما بیاید به زندگی ها صلح و دوستی و محبت، برادری و برابری هدیه می کنید.

مهتاب مددی



ای مهربان ز پس کوچه های غبار گرفته وجودم، غرق رویا در گوشه ای از سجاده انتظار ماتم زده به یادت قلم به روی کاغذ می کشم و تو را می خوانم ای

پر معنا ترین رهگذر زمان، با عطر دل انگیز وجودت، وجودم از هر غباری پاک
می شود کمکم کن جسم خاکی ام را به آنسوی حصار و غرور و خود خواهی
پرواز دهم.

من همانم که راه خانه ات را در کودکی به خاطر سپردم هم اکنون نیز در
نوجوانی هم راه تو را پیش گرفته ام و در به رویم بگشایی به من رحم کنی ای
سراسر محبت.

چند صبحی بیشتر باقی نیست لحظه هایم را به عطر دعا و ذکر معطر خواهم
کرد و با چشمانی اشک آلود لحظه شماری میکنم و با لبخند شوق دیدارت، جاده
انتظار را چراغانی خواهم کرد. روزهایم را که پر بغض و حسرت ظهورت شده در
جاده انتظار پر پر خواهم کرد که میزبان قدمهای پاکت باشد. چشم انتظارم
یوسف زهرا، امید آن دارم که سعادت رسیدن خاک پایت را یابم.

نازنین زهرا رازی به شما می گویم من از جمعه ها برایتان می گویم پلکان
هفته را به امید رسیدن به خانه جمعه می گذرانم جمعه ای که نه تنها متعلق به
شماست بلکه متعلق به من و تمام عاشقان می باشد، می آیی و بغض یتیمان و بی
کسان در آمدنت می شکند.

فاطمه اسماعیلی - ابتدایی



چه جمعه ها که غروب یک به یک شد، نیامدی
چه بغضها که در گلو رسوب شد، نیامدی
خلیل آتشین سخن، تبر به دوش، بت شکن،
خدای ما دوباره سنگ و چوب شد، نیامدی
تمام طول هفته را به انتظار جمعه،
دوباره صبح، ظهر، نه غروب شد، نیامدی

مهدی جان، گل نرگس زهرا، هر چند در غیبت به سر می بری و ظاهراً ما از دیدار شما محروم هستیم اما به یقین می دانیم که در همه جا و همه لحظات حضور کامل دارید. زیرا شما کامل ترین نمونه انسان در زمین فعلی هستید و از همه احوالات و امورات ما خصوصاً شیعیان اطلاع کامل دارید پس نیازی به نامه نوشتن نیست.

مهدی جان! امیدوارم تا زنده هستم شاهد ظهور و حکومت عدلтан در روی زمین باشم همه ما می دانیم که به واسطه وجود پر برکت و نورانی شما این جهان پا بر جاست و خداوند به موجوداتش عنایت خاص دارد. به امید روزی که همه ما ندای مقدس انا بقیه الله را از کنار کعبه بشنویم و لیک گویان به سوی او بشتاییم.

حصان پور محمدی - راهنمایی



کجایید ای فرزند زهرا(س)، ابرهای کدام قسمت آسمان سایبان بالای سرتان است و کدام قسمت زمین فرش زیر پایتان، شب که می شود به خودم می گویم حالا کدام ستاره بالای سرتان است که نورش را از شما می گیرد، حتماً همان که از همه نورانی تر است.

آقا جان، من امیدوارم، به بودنتان، آمدنتان و رهایی و آزادی تک تک کبوتران عاشق از چنگال ظلم و ستم می دانم که می دانید در این دنیا روزانه چند کودک بی گناه پاک و معصوم و آسمانی می میرند به خاطر زیاده طلبی بعضی ها. میدانم که می دانید کم نیستند شیعیانی که دلشان می شکنند و قلبشان آتش می گیرد از بمب گذاریهای اخیر در حرم پدر بزرگوارتان، پدری که بیشتر زندگی شان در زندان بودند، غریبانه هم به شهادت رسیدند و حالا هم حریشان چه غریبانه مورد هجوم خفاشانی که جز در تاریکی نمی توانند زندگی کنند قرار گرفته، چه بی رحم اند که حتی دست از بارگاه ایشان بر نمی دارند.

بیچاره آنهای که فکر می کنند با نابودی حرم ائمه (ع) عشق آنان در دل شیعیان می خشکد این خبرها دل آدمی را به درد می آورد و زیستن را در این دنیا، فقط به یک امید معنا می بخشد، آن هم امید به آمدن منجی بشریت. می دانم، می آید و از کوچه پس کوچه های دلتنگی می گذرید و بشارت پرواز

را به تمام کبوتران شکسته بال می دهید. می دانم می آید برای نجات انسانها و زنده کردن امید در دلهایی که جز ناامیدی چیزی در دلهایشان رخنه نکرده است. شما می آید برای به پا داشتن مفهوم و معنی عشق، عشقی که سالهاست فراموش شده و محو شده است شما می آید برای چراغانی کردن دلهای تاریکی که ما خودمان برای روشنایی آن هیچ کار نکرده ایم، کم نبودند کسانی که از همان ابتدای تاریخ دل پیامبران و امامان را شکستند، در وقت نیاز تنهایشان گذاشتند.

می دانم درد مادران زهرا (س) از جفای مردم بود، نه از شکستن پهلویشان، دلشان شکسته بود از دست مردمی که دیروز با علی (ع) دست بیعت و برادری داده بودند و حال اینگونه ناسپاسی می کنند. و اینکه فردا هم حسینش را لب تشنه شهید می کنند و سالها بعد هم شما را تنها می گذارند.

حالا ما چه بدیم که دل آسمانیان را با گناهانمان می شکنیم، شاید اگر دست از کارهایی که دل شما را می شکنند بر می داشتیم ظهور شما هر لحظه نزدیکتر می شد و اگر حضورتان را در بین خودمان بهتر حس می کردیم، دست از کارهایی که ظهور شما را به تأخیر می اندازد بر می داشتیم.

مولای من دعا کنید برای تمام شیعیانتان ، که از یاوران واقعی شما باشیم و
لحظه ای از یاد شما غافل نشویم.

فاطمه غلامرضا پور



اینک برای شما می نویسم ای ترانه ی جاوید آسمانی، برای شما ای
آبی ترین حضور خدا برایتان از دردها می نویسم از ناگفته های روزگار
بی عدالتی، از ترنم معصومانه ی اشکهایی که بر دامن سرخ فام شمعدانی ها
می چکد.

آقا ثانیه ها نیامده، از تنهایی دقائق پر اضطراب برایتان می نویسم، از رقص
بی بدیل هزاران قلم بر پهنه خاک گرفته ی دفترچه های بی جلد، ساده گی
بودنتان را می ستایم.

آن سان که تقدس خدایگان را ستوده ام اینک که در شرم آینه وار منعکس
شده و قاصدک های قافیه هایم را در هوای چشمانم به پرواز درآورده دلتنگ
چشمان خسته تان شده ام بی آنکه وسعت چشمانتان را دانسته باشم. نامه ام بی هیچ
حرفی برای گفتن پیش می رود و من همچنان از شما می نویسم، کلامم در بی

وزنی مطلق یک نامه جای می گیرد و من حقیقت شکوه شما را در بطن سرد این نوشته بازیچه قلم خویش می کنم.

ناقوس صومعه های پرواز جمعه هاما هم دیگر بوی تکرار و تردید گرفته است.

اینک اما ای قاموس صداقت و عبودیت در این غریب ترین غروب جاری غمهایم تنها آشنایی را که خوب می شناسمش شما پیدا، تنها ناجی حقیقی این روح متلاطم و طوفان زده، تنها صدایی که از ژرفای این وجود خاکی عروج می کند. به سوی شما می گریزم از ننگ هزاران هزار انسانی که انسانیت خویش را از یاد برده اند. از چنگالهای خونینی که عزت و آزاده بودن آدمی را بر چکمه های شرارت بار خویش حک کرده اند.

کودکانمان مسحور رویای از نیل تا فرات فرعونیان شده اند و پدران و مادرانمان زندانی شقاوت وحشی صفتانی که آیه های آمدنتان را محکوم می کنند ارغوانی حضور لحظه ها، هنوز صدای گامهایت را در سکوت کبریایی حرم پدران تو ان شنید که پستی و وقاحت آدمیان را فریاد می کشند.

از درد برایتان می نویسم و از غزلهایی که بوی مرگ می دهند، و از شرم شقایق هایی که پژمرده اند؛ از خویش برایتان می نویسم حالا که آکنده از در دنیا

آمدنتان هستم و حالا که آواز شیدایی شما را سر داده ام. و اکنون با هزاران درود
و سلام تلخ ترین وداعم را با شما به رشته تحریر در می آورم.
خداحافظ ای تنها ترین تنهای زمینی. فاطمه وزیر اسدی - ابتدایی



آقا و سرور مسلمین سلام

آقا جان نمی دانم کجایی اما این را می دانم که شایستگی نامه نوشتن به شما
را ندارم، ولی دلم شکسته به همین دلیل به شما نامه نوشتم تا با شما درد دل کنم.
آقا جان دلم از دست بی حجابها شکسته چون با این کارشان روی خون
شهیدان پا می گذارند و عفت بی بی زهرا (س) را پایمال می کنند یادشان رفته که
این شهیدان برای دفاع از وطن و ناموس مردم به جبهه ها رفتند که دست بیگانگان
را کوتاه کنند آن وقت این افراد با کارهایشان خودشان را به دست بیگانگان می
سپارند.

دلم از دست ناحقی ها و اینکه مردم پولشان را از هر راهی بدست می آورند و
همچنین بی احترامی هایی که به پدر و مادرشان می کنند و ظلم و ستم های
دیگری هم وجود دارد که اگر بخواهم ذکر کنم یک طومار می شود. به امید
روزی که بیایی و ظلم و ستم را ریشه کن کنید و جهان را از عدالت پر کنید و من
یکی از یاران شما باشم.

اللهم عجل لولیک الفرج



سلام، سلامی به لطیفی گل های نرگس که تک تک گلبرگهای آن یاد آور
وجود مقدس توست و عطر زیبای آن نمادی از عطر خوش وجود توست.
آقا جان همه دنیا نشانی از وجود ترا دارد و همه موجودات به خاطر وجود
مقدس تو بر عرصه هستی نهاده شده اند حتی در تک تک شن های ساحل به
دنبال نشانی از رد پای تو هستم.

آقا جان بیا و با آمدنتان جهان را از وجود ظالمان و کسانی که به حرم جدتان
بی حرمتی کردند پاک کن، بیا که همه شیعیان تشنه دیدن روی زیبای شما هستند
بیا که با آمدنتان دنیا رنگی دیگر خواهد گرفت.

گلهای خشکیده صحرا خواهند شکفت و تک تک گلهای نرگس قدمهایت
را با عطر خویش خود عطر باران خواهند کرد، بیا که همه منتظر آمدنتان و خسته
از فراق هستم.

با امید آمدنتان ای منجی عالم بشریت. *فائزه کریمی افشار*

سخنی با معشوق آسمانی

ای مهربان بگذار تا در میان ستاره های شب و تنهایی آن با شما سخنی داشته
باشم بگذار تا از درد جدائیتان بنالم، آقای من شنیده ام که با نماز خواندن شما
خورشید جان می گیرد و با هر نفس شما روشن تر می شود.

آخر از حریم کدامین بهار عاشقانت با شنیدن نامتان به قامت سبزتان
می ایستند و قلبهایشان را به سوی شما روانه می سازند. می دانم که دل شما مانند
دریا پاک است پس چرا؟ ای سرور امت، ظهورتان را تجلی نمی کنید، گلدسته
های مسجد جمکران در خیال رسیدن نام زیبایتان به گوششان در اوج آسمان دعا
می خوانند، گنبد جمکران در زیر آسمان غم آلود دلهای عاشقان چشم انتظار
کبوترتان می باشد، عاشقانی که به مسجد جمکران می آیند سر بر دیوار جمکران
می گذارند و با چشمانی اشکبار شما را یاد می کنند و با دل سوخته شان شما را
صدا می زنند. ای محبوب دلها تمام هستی ام را خاک قدمتان می کنم تا شاید
نظری به جاده دلم بیندازی، پس ای تمام زیبایی بیا تا برای همیشه فریاد رس
عاشقان موعود باشی.

نعمه حسینی

سلام ای گل نرگس

نمی دانم از کجا شروع کنم استادمان در بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج) می گوید: شما که به اینجا آمده اید، امام مهدی (ع) شما را دعوت کرده، لابد کار خوبی انجام داده اید، من نمی دانم چه کار خوبی انجام داده ام که به من این سعادت داده شده تا در کلاسهای مهدی یاوران شرکت کنم.

خواستم برایتان نامه ای بنویسیم. دوست دارم از هر آنچه در طبیعت است کمک بگیرم، از یک گل سرخ تنها در بیشه ای بی نشان، از کبوتری که در ابرها لانه دارد، از چشمه زلال، از شاپرکی که صدای خود را صیقل داده، از پروانه ای که هر روز زیباتر می شود، از کوهی که هیچ پاییی به قله اش نرسیده از دریایی که هیچ دستی کاگل موجش را لمس نکرده است

دوست دارم ستاره ها را آب کنم و به جای جوهر در قلمم بریزم تا کلمه ها نورانی شوند.

من شما را در همه ی دلوپسی ها، اشکها و شادی های کودکانه ام و در آه هایم می بینم، هر دری را به امید آمدن شما باز می کنم و هر دفترچه ای را به امید خواندن نام شما ورق می زنم کاش حرفهای ساکتی را که در چشمانم زندگی می کنند را می شنیدید. می خواهم قلبم شعله ای آبی باشد و من در پرتو آن تا روز قیامت بسوزم و شما را تماشا کنم.

عزیز زهرا، چرانمی آیی؟

بیا، بیا تا تمام جمعه ها پر از عطر حضور شما و پر از عدالت گردد، بیا که منتظرانت سخت در انتظار دیدنتان بی قرارند، بیا دلهای خسته طاقت این همه انتظار را ندارند.

اللهم اكشف هذه الغمه عن هذه الامه بحضوره و عجل لنا ظهوره....

خدایا غم و اندوه دوری آن بزرگوار را به ظهورش از قلوب این امت برطرف گردان و برای آرامش دلهای ما در ظهورش تعجیل فرما.

سید ایوب میرزایی - ابتدایی

شاید این جمعه بیاید شاید

پرده از چهره گشاید شاید

دل مستمند ای جان به لبث نیاز دارد

به هوای دیدن تو هوس حجاز دارد

آقا جان می دانی این شعر را برای تو سروده اند.

آقا جان سالهاست که به امید آمدنت صبح های جمعه دعای ندبه را
می خوانیم اما توجه مان به دعا نیست و گوش هایمان تیز و چشمهای ما به درب
مهدیه دوخته شده است می دانی چرا؟

آقا جان امیدواریم کسی با شادابی و خنده وارد شود فکر می کنم که منظورم
را دریافته باشی که چرا منتظر شنیدن صدای خنده هستم چون شاید همان کسی
که خندان است بلند بگوید یا ایها الناس دیگر نخوانید چون مولایتان آمد و انتظار
به پایان رسید.

آقا جان سالهاست که غیر مسلمانان به شیعه زخم زبان می زنند و
می گویند اگر آقا داشتید در طول این همه سال بالاخره می آمد آقا جان
می دانم که در دل شما چه می گذرد، می دانم که همه اش بخاطر اجازه ندادن
خداوند است، می دانم که کارهای ما شیعیان قلب تو را به در می آورد.

مولا جان به فریاد همه ی شیعیانت برس. من کس غریبی نیستم فرزند گنه

سید میثم

کارت

ارحم الراحمین فرج او را برسان. من هنوز به سبز شدن پرچم سرخ حرم امام
حسین (ع) امیدوارم.



مولا جان سلام

دوست دارم بگویم که....

دلم برایت تنگ شده است امروز هم پنج شنبه است و دوباره نزدیک به جمعه می شویم.

روز انتظار، روز آرام بخشیدن روح و قرار گرفتن دل، صبح جمعه دعای ندبه می خوانیم و مثل همیشه صدایت میزنم روزهای جمعه از عشقت به گل‌های نرگس می نگرم باز هم یادتان در ذهنم تداعی می شود و قطرات اشکم همچون دانه های شبنم بر روی گلبرگهای نرگس می غلظد و تو را صدا می زند.

مهدی جان کی ظهور خواهی کرد و زندگی ام را که سرشار از انتظار است با رنگ آبی وجودت زینت می بخشی، دلم می گیرد از بی حجابی از بی بند و باریها و از استعمارگری ها.

هر وقت دلم می گیرد ترا صدا می زنم اما شما چی؟ شما که تنهاید و ما لیاقت نداریم تسکین بخش لحظات تنهائیتان باشیم شما جمعه ها حس غریبی بر وجودم سایه می افکند و تنها راه آرامشم را بارانی که از چشمانم می بارد می دانم.

سید مجتبی اشرفی



با سلام خدمت مولایم مهدی (عج)

امیدوارم که در سایه الطاف الهی همیشه سربلند و پیروز باشید.

ای عزیز دل‌های همه، دل‌مان در نبودنتان تنگ شده و به عشق دیدارتان لحظه شماری می‌کنیم این حرف دل من تنها نیست، حرف دل تمام شیعیان است هر غروب جمعه تمام غم‌های عالم روی دلم می‌نشیند، بعض گلویم را می‌گیرد و با خود نجوا می‌کنم که چرا آقایم نیامد. امام زمان (ع) امروز که برایتان نامه می‌نویسم می‌خواهم به شما بگویم که بارها در آرزوی دیدن روی ماهتان و در فراقتان ساعتها اشک ریختم، یا مهدی دوست دارم با خواندن دعای عهد در رکاب شما باشم و خدمت کنم.

با خود فکر کردم برای رسیدن به امام زمان (ع) باید خیلی راهها را طی کنم و قلبم را از گناهان پاک کنم تا به آرزوی خود برسم آقا جان، هر جمعه به انتظار دیدارتان می‌نشینم تا بتوانم به آرزویم.

محمد ایزدی - راهنمایی



آقا جان سلام

وقتی کتابهای کسانی را که با شما ملاقات کرده اند می بینم با خود می گویم چرا من نباید جزو این آدمها باشم. آقا جان ظهور کن و فساد را از بین ببر.

شنیده ام هر وقت همه منتظر باشند می آیی امیدوارم قبل از پایان عمرم شما را بینم و تمام دردهای دلم را که نمی توانم حتی به نزدیکترین کس یعنی مادرم بگویم به شما عرض کنم و خود را از پریشانی و سرگردانی برهانم.

صادق راشدی - راهنمایی



سلام امام زمان (عج)

ای عزیز زهرا (س) کاش بیایی با دشمنان بجنگی و اسلام را پیروز بگردانی. مولای من ما بچه ها خیلی شمارا دوست داریم من خیلی دوست دارم شما را بینم و یار شما شوم به همین دلیل در کلاس مهدی یآوری ثبت نام کردم و دعا می کنم که شما من را قبول کنید، من میدانم که خیلی مهربان هستید و آدمهای بد را دوست ندارید، دعا می کنم که خدای مهران به من کمک کند آدم خوبی باشم و برای ظهور شما دعا کنم تا بیایی و دشمنان اسلام و قرآن را نابود کنی و

اسلام را پیروز کنی من شما را خیلی دوست دارم. مولای من سلام خدا بر شما باد

سید مهدی اعلام داد - ابتدایی



سلام بر شما ای مرد صلح و عدالت

سلام بر شما ای دوستدار بچه ها، ما سالیان سال است که منتظر شما هستیم

کاش من جزو یاران شما بودم و شما را می دیدم.

امروز سالروز حمله ی شیمیایی عراق به سردشت است در آن زمان بچه های

زیادی شهید شدند وقتی فیلم های جنگ را نشان می دهد رزمنده ها سربند یا

صاحب الزمان بسته بودند و از شما مدد می گرفتند، در عراق، افغانستان و فلسطین

جنگ است، خیلی ها می میرند و من خیلی ناراحت می شوم، منتظر ظهور شما

هستم تا جنگ و خونریزی به پایان رسد و با عدالت شما همه جا به گلستان تبدیل

شود و همه خوشحال و شاداب شوند.

دوست دارم به جمکران بروم، آنجا را زیارت کنم و برای آمدنتان دعا کنم.

محمد علی شبانی

اللهم عجل لولیک الفرج



با عرض سلام خدمت مولایم، آقا امام زمان (ع)

صحبت کردن با شما سعادت بزرگی است، اما روزها دشمنان اسلام با هدف قرار دادن پدر و جد بزرگوارتان قلب نازنین شما را به درد آورده اند و بار دیگر شما را به سوگ نشانده اند امیدوارم هر چه زودتر ظهور کنید و دشمنان را به سزای اعمالشان برسانید.

دلم می خواهد در یکی از صبح های جمعه وقتی چشمانم را باز می کنم آیه زیبای «جاء الحق و زهق الباطل» را بر صفحه ی آسمان نظاره گر باشم و صدای زیبایتان را در حالیکه به خانه خدا تکیه زده اید و انا المهدی می گوئید بشنوم، بیاید و انتقام جدتان امام حسین (ع) را بگیرید، بیاید و با شمشیر عدالت زنجیرهای اسارت مسلمین را پاره کنید.

مولای من کمک کنید تا شما را بهتر بشناسم و از گناه و معصیت دور شوم تا لیاقت پیدا کنم یکی از یاران شما باشم مهدی جان بیاید تا پروانه وار به دور شمع وجودتان بگردیم.

سید علی آغا هاشمی - ابتدایی



سلام به خدمت آقا و سرورم امام زمان (عج) که آخرین امام و پیشوای مسلمانان است. من می خواهم بگویم که ما مسلمانان شیعه از سحرگاه تا شامگاه

برای سلامتی و ظهور شما دعا می کنیم شاید روزی که خداوند متعال صلاح دانست ظهور کنید و خلق الله را از شرک و کفر، ظلم و ستم رهایی بخشید آقا جان ما دعا میکنیم تا وقتی زنده ایم جمال نورانی شما را ببینیم.

در این سالهای اخیر می دانید که آمریکای ظالم به کشورهای مسلمان حمله کرده او می خواهد دین عزت بخش اسلام را نابود کند هر روز خبر بمب گذاریهای متعددی از اخبار می شنویم که این جنایت کاران غاصب به خانه های مسلمانان می زنند، مردان را زندانی و زنها را کتک می زنند و به مکانهای مذهبی ما مانند مسجدها و زیارت گاهها آسیب زیادی می رسانند. همین چند روز پیش خبر ناگواری به ما رسید که تجاوزگران به یکی از مهمترین مکان های مقدس ما مسلمانان یعنی به حرم مطهر عسکرین و سرداب شما آسیب رساندند.

آقا جان ما برای ظهور شما دعا می کنیم تا شما بیاید و این ستمکاران غاصب را نابود کنید و جهان را پر از عدل، صلح و آرامش سازید به امید آنروز

سید محمد مهدی ذبیحی فر - راهنمایی



سلام مهدی جان

چرا با این همه چشم انتظاری

نقاب از وی ماهت بر نداری

بیا ای مصلح عالم که هستیم

همه آماده خدمت گذاری

می خواهم نامه ای به گل سر سبد عالم بنویسم. ای گل زیبا، جهان منتظر آمدن شماست که با قدمهای مبارکتان برکت را همراه می آورید در روزهای جمعه ندبه می خوانیم و با دعای فرج از خدا می خواهیم وارث امام حسین (ع) را برساند.

ما حق داریم از دوری محبوبی چون شما ناراحت باشیم زیرا شما خورشید فروزان زندگی هستید، تمام جهان به واسطه وجود شما می چرخد. می گویند منتظر واقعی باید صبور باشد، می دانم اگر گناه نکنم و بر عهد خود محکم باشم شما را می بینم. ان شاء الله

مصطفی عبدالعلی زاده - ابتدایی

سلام آقا جون

همه مردم حاجتهایی دارند که آنها را به آبروی شما و امامان قبلی به دست می آورند من هم حاجتی دارم از خدا، که به آبروی جدتان امام علی (ع) و مادرتان زهرا (س) ظهور کنید تا حکومت خدایی شما بر زمین حاکم شود امام زمان (ع) شیعیانتان به امید شما با دشمنان شما می جنگند سالهاست که اسرائیل مردم

فلسطين را قتل عام می کند و بیت المقدس را خراب می کنند. آقا جان هر چه
زودتر ظهور کن و دشمنان اسلام را نابود کن.

مهدی رضایی

با عرض سلام خدمت مولایم آقا امام زمان (عج)

و با عرض تسلیت به دلیل بمب گذاری قبر پدر و جد بزرگوار شما

آقا جان! من یک سرباز هستم برای شما و می خواهم تمام راههای رسیدن به

شما را بدانم، من همان دانش آموز مکتب امام صادق (ع) هستم و نوکر مادرت

زهرا (س) آقا جان همیشه چشم انتظار ظهور شما هستم و دعا می کنم تا هر چه

زودتر بیاید و رخ دلربایت را بینم.

آقا جان! کربلا می رویم ظهورت را از عمویت حضرت عباس (ع) می خواهیم

در بقیع نزد مادرت زهرا (س) ظهور شما را می خواهیم آقا جان همیشه انتظار

جمعه را می کشم تا شاید این جمعه بیاید

تنها آرزویی دارم فقط ظهور شماست پس آقا جان به امید روزی که شما

می آید و من هم به امید خدا جزو سربازان شما باشم، پس همیشه می گویم "

اللهم عجل لولیک الفرج "

سید صالح میرزایی

سلام مهدی زهرا (س)

اکنون که به این سن رسیده ام و از خدا عمر گرفته ام خواهان آنم که بتوانم برای یکبار هم که شده چشمانم به قدوم مبارک شما روشن شود.

از خدا می خواهم که اجازه ظهور شما را بدهند تا هر چه سریعتر شما بیاید و دنیا از ظلم پاک شده و عدالت همه جا را فرا گیرد و به قول معروف از قدوم مبارک شما دنیا گلستان شود، بیمارستانها از مریض خالی شود، هیچ فقیری نباشد همه از نعمتهای خداوند به طور مساوی بهره ببرند ای امام زمان (عج) همانطور که تا این لحظه هر آنچه از شما خواستم به من عطاء کرده اید از الان به بعد هم هر آنچه را که به صلاح و مصلحتم باشد به من عطاء کنید و با کمک خداوند متعال و توجه شما والدینم طول عمر با عزت داشته باشند و همچنین قسمت شود من به اتفاق اعضای خانواده به زیارت مسجد مقدس جمکران نائل شویم و از شما سعادت دنیا و آخرت را برای همه خواهان هستم پس ای امام زمان (عج) نظر لطف و عنایت خود را از ما دریغ نکنید.

خدایا فرج امام زمان (عج) را نزدیک بفرما و تا عمر داریم بتوانیم آقایمان را

بینیم.

پیمان جهانشاهی

اللهم صل علی محمد و آل محمد

خدمت آقا امام زمان (عج) سلام عرض میکنم.

می دانم دلت از دست مردم خون است آنها دست به خونریزی می زنند، حق دیگران را می خورند، به پدر و مادر خود بی احترامی می کنند حتی به امامان احترام نمی گذارند ولی شما خیلی رثوف و مهربان هستید من یک کودک هشت ساله هستم چیزی از شما به خوبی نمی دانم ولی با گفته های پدر و مادرم فهمیدم که بعد از خدا شما مواظب همه مسلمانان هستید. من هر صبح وضو می گیرم و دعای فرج شما را می خوانم و هر شب برای سلامتی شما دعا می کنم.

مادرم می گوید خدا در قلب ما جا دارد، آقا حضرت مهدی همینطور، آقا جان خیلی خوشحالم که به کلاس مهدی یاوران می روم چون آنوقت شما را بهتر می شناسم پس ما بچه ها را یاری کنید.

آقا جان مادرم می گوید: ما کوچکترها دلی پاکتر داریم، اگر بچه ها دعا کنند به حق مهدی خدا جواب آنها را می دهد، با اینکه کوچک هستم ولی آرزو دارم از یاران واقعی و مومنان واقعی باشم و شما را بینم.

وای اگر فردا بشه باز شما نیایی

وای می خواهم داد بزنیم آقا کجایی

به خدا من می میرم از این جدایی

به خدا من می میرم اگر نیایی

دوستت دارم آقا جان، سالم و تندرست باشید تا زمان ظهور.

«رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخِلَ صِدْقٍ وَّ اَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَّ

اجْعَلْ لِيْ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا محمد رضا طالبی زاده - ابتدایی

با عرض سلام خدمت آقا امام زمان (عج) ان شاءالله هر کجا هستید سالم باشید، آقا جان چرا این قدر ظلم و فساد در جهان است مثلاً آمریکا دیگر چه قدر به مردم عراق ظلم کند؟ چرا ملکه ی انگلیس به سلمان رشدی لقب شوالیه می دهد؟!

یا بن الحسن (ع) تا کی باید اینجا و آنجا برویم و دعا کنیم تا زودتر بیایی. جمکران، در مسجد شما دعا کردیم، مدینه ، در کنار قبر رسول الله (ص)، بقیع، کنار تربت زهرا (س) ، کربلا، نزد قبر حسین (ع) دعا کردیم و فرج شما را خواستیم اما هنوز به ما لطفی نشده، آقا جان در آخر باز هم برای سلامتی و فر شما دعا می کنیم.

یاسر شجاعی

ای امید ناامیدان در کجایی

ای پناه بی پناهان در کجایی

یا امام زمان (عج) همه همیشه از شما صحبت و برایتان دعا می کنند در وقت نماز سر سجاده، دستهایشان را به سوی آسمان بلند می کنند و با دلی سوخته و چشمی منتظر می گویند: اللهم عجل لولیک الفرج.

یا مهدی (عج)، بیا به دلهای سوخته امید زندگانی دوباره و به چشم های منتظر نور امید ببخش تا صدای شادی آنها تمام جهان را پر کند، من و همه مسلمانان جهان منتظر می مانیم تا شما ظهور کنید و این جهان را با نور خود روشن کنید.

محمد حسین ضیفمی نژاد

امین یا رب العالمین.

تجربیات

ای پادشاه خوبان داد از غم تنهایی
دل بی توبه جان آمد وقت است که باز آیی
در آرزوی رویت بنشسته به هر راهی
صد زاهد و صد عابد سرگشته ی سودایی

مادرم میگوید: اگر چشمانت لیاقت و حتی طاقت خورشید حقیقت را داشته
باشد ابرهای غفلت و نادانی کنار میروند و خورشید تابناک گرمای پر فروغش را
بر سر همه ی عاشقان و منتظرانش می تاباند.

زهر ا پور شیخ علی



مهدی جان: من در کوچه پس کوچه های شهر بیقرار به دنبالت می گردم
آرزومندم که در هنگام ظهورت یکی از یاورانت باشم تا خاک پایت را سرمه ی
چشمانم کنم

مولایم سرورم: می گویند بارها و بارها در مسجد جمکران با عاشقانت دیدار
داشته ای بی آنکه آنها در آن لحظه متوجه باشند که با شما صحبت می کنند.
عاشقانه مسجد جمکرانت را دوست دارم و آرزوی حضور در آنجا و دیدار وجود
مبارکت را دارم.

حانیه رستمی زاده



آقا جان! شما که بهترین و شایسته ترین بنده خدا هستی، از خدا بخواهید که
هر چه سریعتر ظهور کنید و جهان را پر از عدل و داد نمایید. زهرا رستگاری
تشنه ام تشنه ی شما شاید این تشنگی هلاکم کند.

آقا به تاریکی به من نگاه نکن به شدت نیازم به سوز سینه ام به اشک چشمم
در سال های متمادی به بغضی که نمی دانم با نیامدنت چه سیلی را به پا کند!

افسانه علیزاده



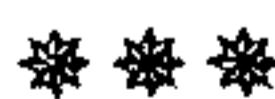
سلامی به زیبا تبسم کودکان یتیمی که در آغوش جد بزرگوارتان علی (ع)
پرورش یافتند

آقای من در جای جای این کره ی خاکی نشانه هایی از بدی و زشتی نمایان
است که خوبی ها را محو می کنند.

بیایید و با آمدنتان صلح بیاورید و مانع از جنگهای بین کشورها شوید تا از
کشته شدن مردمان بی گناه و آواره شدن و بی سرپرست شدن کودکان جلوگیری
کنید بیایید و اسلام را در سرتاسر این جهان بگسترانید و با آمدنتان شکوه و
عظمت اسلام را به جهانیان بنمایانید.

در پایان بگویم که خیلی خیلی دوستون دارم البته میدونم که هنوز به اون
درجه از محبت و عشق واقعی به شما نرسیدم. به امید آن روزی که شما ظهور
کنید و جهانیان از این همه شکوه و جلال و عظمت شما که تجلی نامهای خداوند
است شگفت زده شوند و پرچم اسلام را در همه جای این جهان به اهتزاز
در آورید.

پروین اعتصامی



آقا جان: خیلی ها منتظر از دنیا رفتند و آرزوی دیدنتان را به گور بردند آقا
جان ما را آرزو به دل نگذار.

هر گل نرگسی را که می بینم (به یاد شما) می بویمش اما آن بوی واقعی را
نمی دهد. نجمه محمدی



مولا جان میدانم که در دلتان از غم غربی قیامت است میدانم که ما شیعه ها
دل شما را پر از خون کرده ایم. پسر فاطمه چه کار کنیم که خانه ای را نمی
شناسیم که بر درش بزیم و طلب حاجت کنیم
ای امام زمان بسیاری از کودکانمان جوان شدند بسیاری از جوانانمان پیر شدند
و بسیاری از پیرها مردند اما شما نیامدی ای گل سرسبد هستی آقا و سرور من
خیلی دلم می خواهد چشمان کورم که در کوچه پس کوچه ها به دنبال نور می
گردد تا دوباره روشنی خود را بیابد با نور جمال نورانی شما منور گردد.

زهرافلاح

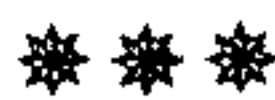


امنیت واقعی زمین از برکت وجود مقدس حجه بن الحسن (عج) می باشد که
اگر در هر زمانی او بر زمین نباشد هر لحظه زمین و ساکنانش در هم کوبیده

می شود این را من نمیگویم خود آن عزیز زهرا و یوسف گم گشته ی ما
می فرماید:

"من باعث امنیت مردم روی زمین همانگونه که ستارگان وسیله ی امنیت اهل
آسمانند"

محبوبه رستم زاده



یا مهدی انتظار مثل جاده ای طولانی است که معلوم نیست کی به پایان میرسد
و آخر آن کجاست ولی من به امید دیدن روی شما و گرفتن دستهایتان و دادن
یک دسته گل نرگس (از خوبی ها) به شما این جاده طولانی را طی میکنم و با
قدم های خود فاصله خود را با شما کم میکنم تا به شما نزدیک شوم.

محبوبه ضیغمی



یا مهدی پدر و مادرم همیشه میگویند موهای سرمان سفید شدند اما اقامون
ظهور نکرد پدر و مادرم فدای شما.
خدایا آن روز میرسد که من فقط یک لحظه چهره ی دلربای مهدی را بینم.
ای امام زمان میدانم که ما مرد آلوده و گناه کار هستیم ولی شما به خاطر قلب
کوچک بچه های بی گناه ظهور کن.

مهدیه و فائزه مهدیزاده

یا اباصالح بچه ها بزرگ شدند جوان ها پیر شدند بعضی از پیرهایمان مردند
اما افسوس افسوس که جمال نورانی و زیبایی را ندیدیم بزرگترین آرزویم در
این جهان ظهور و فرج شماست. آقای من خاک پایتان سرمه ی چشمانم و دیدار
رویتان تنها آرزویم.
حانیه فانی ملکی

آقا جون هر روز جمعه چشمان سیاه پر گناهمان را بستیم به در تا بیایی. اگر
چه میدونم خیلی گناه کارم ولی تو من را پذیر و عشق من را پذیرا باش. دیگه
خسته شدیم توی این جهان بی کس هیچ کس جز خداوند شما را نداریم اگر
قبولمون نکنید باید ناامید ناامید باشیم.
مریم درانی

شما آگاهانه تمام رفتار و کردار ما را نظاره گر هستید من به عنوان یک عضو
کوچکی از شیفتگان شما، امید دارم که روزی با ظهورتان دنیا را سرشار از عشق و
آزادی و بدون ظلم و ستم نمایید و مردم تمام جهان در زیر سایه شما منجی عالم
زندگی بدون هر بدی داشته باشند به امید آن روز.

حانیه عسکری



سلام ای دوست باوفا دوستی که همه انتظار تو را می کشند. آقا جان کی می آیی ما همه منتظر شما هستیم همه چشم به راه هستیم آقا جان چه میشود یک نگاه هم به ما کنی آخه ما کوریم که شما را نمی بینیم. اگر بیایی دنیا گلستان میشود فلسطینی ها آزاد میشوند دیگر همه یکدیگر را خواهر و برادر خود میدانند دیگر کسی دعوانمی کند.

مهدی صاحب الزمان کی می آیی وقتی که دلها همه عاشق شما باشند! دلها همه عاشق هستند چرانمی آیی تا کودکان افغانی نجات پیدا کنند.

زهرا امیر ماهانی



آقا جون از خدای خودتان خواهش کنید که فرجتان هر چه زودتر نزدیک شود تا جهان را پر از عدل و داد کنید و مسلمانان را نجات دهید. آقا ون ما همه بچه ها شما را خیلی دوست داریم و برای ظهور هر چه زودتر شما دعا میکنیم. آقا جون من از شما می خواهم که تمام مریض ها را شفا دهید و دشمنان اسلام را نابود کنید و تمام بچه ها را در درسهایشان موفق بدارید و من را نیز در درسهایم

مخصوصاً قرآن و امام زمان شناسی یاری کنید تا بتوانم شما را بهتر بشناسم.

فاطمه محمدی

کاش من هم یکی از یاران باوفای شما باشم کاش که خدای عزوجل به شما
اذن بدهد تا ظهور کنید و بیایید قبر مادرتان فاطمه (س) را که مفقود است پیدا
کنید و جهان هستی را به روشنایی و نور هدایت کنید.

فاطمه نخعی زاده

یا بقیه الله من هر روز بر سر جانماز می نشینم و با خود می گویم پروردگارا
قرآن را نور ما، قانون ما، امید ما، منطق ما، مایه ی تعقل و تفکر ما، موعظه ی ما،
شفای ما، آرامش و نجات ما قرار بده و ظهور امام زمان را نزدیک بفرما. امین یا
رب العالمین

مهتاب مبشر

آیا لرزش شانه هایم هنگام گریه مسیر ظهورت را هموار نمی کند

رویا حسنی

هر روز جمعه از مادرم سوال می‌کنم که چه وقت می‌آیی؟ می‌گویی هر وقت که جهان برای ظهور آماده شود هر وقت طاقت مردم لبریز شود هر وقت دلهای منتظر و آشفته بیش از پیش مولایمان را بخواهد.

هر روز جمعه از پنجره به بیرون نگاه می‌کنم اما شما را نمی‌یابم. ای عزیز زهرا ای گل نرگس بیا و با آمدنت جهان را از عدل و داد پر کن بیا که دیگر جمعه ای به انتظار نشینم
آرزو مدرسی



علما می‌گویند: اگر ما برای سلامتی و فرج امام زمان دعا کنیم اما زمان هم برای هدایت ما دعا می‌کند.

ما همه انتظار شما را می‌کشیم تا روزی بیاید و دنیا را از بوی گل‌های محمدی پر کنید دیگر کسی اسم شما را رمزی نگوید زودتر بیاید که همه در انتظار شما هستند.

از آن فرد پرسیدیم چهره‌ی مهدی چگونه بود؟ گفت: نه تنها چهره‌ی مهدی (عج) دیدنی است بلکه باید چهره‌ی او را لمس و احساس کرد

هانیه رئیسی



امام عزیزم، وقتی که خیلی بچه بودم همراه مامانم به روضه رفتیم در آنجا آقای مداح از مادرتان حضرت زهرا (س) می گفت و همه گریه می کردند همه جا تاریک بود و فقط سه لامپ سبز روشن بود وقتی که چراغها روشن شد من از مادرم پرسیدم: مامان مگر این ایام چه وقتی است؟ مادرم جواب داد: ایام شهادت حضرت زهرا (س) است افسوس که حضرت علی (ع) چقدر مظلوم بودند بعد از اینکه حضرت زهرا به شهادت رسیدند حضرت علی (ع) خیلی ناراحت شدند و به یاد حضرت زهرا بودند.

آقا جون از آن وقت من همیشه به یاد مادرتان هستم و به دشمنان آن حضرت لعنت می کنم. آقا جون من از شما می خواهم به حق مادرتان زودتر بیاید و انتقام خون مادرتان از دشمنان بگیرید و همه ی بیماران را شفا دهید و همه را در عبادت خدای یکتا و بزرگ موفق بدارید.

زینب محمدی

مولایمان سید و سرور و سالارمان فکر و اندیشه و همه ی اعضا و جوارحمان تشنه عبودیت و تشنه قدم نهادن در راه نورانیت است. ای امام در این راهی که پر از دام و خطر است تنها نگاه امیدمان به سوی عنایتها و لطفهای بیکران شماست. ای کسی که دستتان بالاتر از همه دست هاست ما را یاری فرما.

مولایم آبشار نورانی ذکرستان با سعی و تلاش و با ایمان حاصل می شود در
زمین یادتان می روید و گل پیچکی که ریشه اش همه قطرات آبشار ذکرستان
است.

پیرامون این زمین آباد را فرا می گیرد و قلبهای خفته و غفلت زده را بیدار
می نماید و آنها را به سوی نور هدایت میفرماید.

ای امام منتظرین! خودتان بر قلب غفلت زده ما عنایی فرما و آن را بوسیله ذکر
و یادتان بیدار نما. ای امام غایب از نظرها در این امتحان بزرگ در آخر الزمان
هنوز قدم هایی را برای سرافرازی در این مسیر بر نداشته ایم و در ابتدای این راه با
عظمت و بی کرانیم.

ای آخرین هدیه امامت از سوی خدا، کعبه دلمان را برای شنیدن نجوایتان و
حقانیت، شنوا و آن را برای دیدن رکوع و سجودتان بینا گردان

فربیا خراسانی



رقعه ای می نویسم که خود گیرنده اش قبل از نوشتن از آن با خبر بود

این دل نوشته فقط تسلائی برای دل پر از آرزو و امید من باشد

امروز روزی است که شیبه ی اسبان و هلله ی سواران نام تو را به سربلندی می کشاند. سبز پوشان سپاه با قامتی کشیده چونان سرو سبز بسان کوه شکبیا و صخره ی با صلابت پا بر جا شما را فریاد می کنند و اما روزی سرخ از راه می رسی اینک شمایی که باید به ناله های چاه پاسخ دهی.

اماما! کمکم کن ویرگیهای شما و یاران شما را دارا باشم، مهربان بر مومنان، سخت گیر بر کافران و منافقان، عدالت گستر، زاهدان شب و شیران روز، آهنین اراده و قوی دل.



تا کی به تمنای وصال تو یگانه

اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

سال به سال، ماه به ماه، جمعه به جمعه، شب به شب، صبح به صبح و دقیقه به دقیقه روز آمدن شما را لحظه شماری می کنیم و به دلمان وعده دیدار شما را می دهیم، اما تا کی باید منتظر بمانیم؟ تا کی باید امید آمدنتان را بهانه سازیم و ادامه حیات دهیم؟ تا کی باید نامه های پر از اشکمان را به سویتان بفرستیم، در حالی که نشانی گیرنده را نمی دانیم و نامه هایمان به مقصد نمی رسد و برگشت می خورد؟ تا کی باید کودکان را رنج و غل و زنجیر بینیم و فریاد رسی برایشان نیاییم؟ تا کی باید فقیران را بینیم که شب سر گرسنه بر زمین می گذارند به امید

آن شبی که علی ثانی (ع) با کوله باری از نان خرما به بالینشان رود و آن شب سیر
بخوابند؟ تا کی باید ...

مولای من، می دانم که روزی می آید آن روز زیبایی که به دیوار کعبه تکیه
می زنید و ندای دلنشین انا مهدی گوش جهانیان را می نوازد.
ای کاش آنروز هر چه زودتر فرا رسد و خورشید روی شما شبهای سنگین
ظلم را بشکند و کاخ های شیشه ای ستمگران را فرو ریزد.
به امید ظهورتان

حدیث پاکدامن - راهنمایی